

لذت جویی یا آزار دیگری؟

Photo: Polina Gazhur/shutterstock.com

ماهرخ غلامحسین پور

یک طرف ماجرا دائما در وضعیت دلشوره و اضطراب به سر می‌برد. طرف دیگر ماجرا در هنگام برانگیختگی تنش، کنترلی بر هاست. ی آدم «پا» ذهن و بدنش ندارد و نگاهش مدام در حال دنبال کردن

زن حسرت یک آغوش دلچسب و واقعی و عاری از رفتارهای نامتعارف جنسی توی دلش مانده. سال‌های متوالی است مردش تمام شد: های دیگر زن ندارد، اما کاش ماجرا به همین جا ختم می‌کدام از اندام‌جز پاهای او را لمس نکرده. هیچ میلی به هیچ مدت در مراسم مهمانی و دیدارهای خانوادگی احساس تحقیر و سبکی می‌کنم. مدام پاهای کودکان، زنان و حتی گاهی مردان را «ام شده. کند. همین مساله تبدیل به کابوس زندگی‌وارسی می

لحظاتی که می‌توانست برای پری به شادی بگذرد، در تعقیب و گریز نگاه مردش و در حال دنبال کردن رفت و آمد آدم‌ها یا یک جور اختلالی به «فوت فیتیش» گذرد. او حتی با یک مشاور صحبت کرده و مشاور هم تایید کرده که همسرش مبتلا به می نام یا پرستی است.

پری هنوز نمی‌داند این دل‌بستگی همسرش یک اختلال جدی محسوب می‌شود یا فقط یک تمایل شدید جنسی؟

در این مورد با کمبود منابع و اطلاعات مواجه است.

از همین نویسنده بیشتر بخوانید:

[کودکانی که با آنها را می‌زاید و توفان درو می‌کند](#)

[ازدواج موقت: عهد مودت و عشق یا زندگی زیر سایه خشونت‌های بنهان؟](#)

[سپردن قربانی به دستان آلوده آزارگر](#)

طرفداران رفتارهای جنسی تازه، این روزها همه جای دنیای مجازی گروه و تشکل و صفحه و دسته دارند.

آنها موجودات عجیبی نیستند. همین آدم‌های اطراف ما هستند که مایل‌اند از زندگی لذت کافی ببرند و به چهارچوب‌ها و تعاریف موجود باور ندارند. اما مرز باریکی بین این تمایلات و اعمال خشونت وجود دارد.

از یک سو در طول سال‌های گذشته و همزمان با جنبش دگرباشان جنسی و تلاش کوییرها برای رهایی از هر گونه تعریف مشخص از هویت‌های تعریف‌پذیر و خط‌کشی شده، گروه‌های مختلفی از جوامع انسانی برای گفت‌وگوی بی‌پرده و صریح در باب تمایلات نامتعارف جنسی در دنیای مجازی یا عالم واقع، دور هم جمع می‌شوند تا در این مورد، نقطه نظرانشان را با همدیگر در جا کنند. به میان بگذارند و مرزهای قواعد و قراردادهای سنتی را جا

هاست. در آنجا مباحث قابل توجهی در باب سکشوآلیته مورد طرح و بررسی‌یکی از این گروه «های مابندی‌بی» بوکی صفحه فیس اعضا قرار می‌گیرد. آنها تلاش می‌کنند آزادی‌های فردی و حق انسان بر تن و روان را به رسمیت بشناسند. به ندرت در این گروه زمینه توهین و درگیری پیش آمده است. کنند، گو می‌وهایشان به راحتی گفت‌بسته که اعضایش در باب تنانگی

طرفداران آزادی جنسی معتقدند خشونتی در این گونه انتخاب‌ها نیست چون زوجین از پیش با هم به توافق رسیده و هر کدام به اندازه درک و دریافتشان لذت خواهند برد.

[اگر تاکنون عضو کانال تلگرام خانه امن نشده‌اید، کلیک کنید.](#)

جوامع سنتی با این مدل از آزادی‌های و مقابله دائمی کاری افکار عمومی‌توان گفت به علت محافظه‌رغم این ادعا می‌اما علی فردی، زمینه برای آموزش کافی وجود نداشته و چنین درخواست‌هایی عملا به تیغ دو لبه شباهت دارد.

در هم ریختن ساختارهایی از این دست، عمر چندان درازی ندارند و هیچ‌کدام از طرفین ماجرا آموزش کافی در این مورد دریافت نکرده‌اند.

شاید به همین دلیل است که دنبال کنندگان اشکال نامتعارف رفتارهای جنسی، بسترهای مناسبی برای اعمال خشونت برای شریک زندگی‌شان هستند

وقتی تنوع طلبی به آزاررسانی تبدیل می‌شود

راضیه دهدستی، روان‌شناس بالینی به خانه امن می‌گوید این گونه تمایلات می‌تواند تبدیل به دام خطرناکی برای گرفتار کردن دیگری بشود که شاید میلی به همدلی با رفتارهای نامتعارف جنسی نداشته باشد.

زندگی زنانی مانند پری که به طور مداوم احساس آزار می‌کند، نمونه‌ای از این دست است.

سمیه از این که همسرش در تمام دقایق هم‌آغوشی به شکلی واضح و روشن از اندام‌های جنسی دوستان مشترکشان نام می‌برد، دارد تانیست. همسرش او را وامی «امروزی» و «کول» شود که به اندازه کافی کند به این متهم می‌در آزار است. اعتراض که می‌با او در این فانتزی ذهنی همدلی کند. شریک جنسی سمیه با تصور داشتن یاران متفاوت در بستر هم‌آغوشی به نقطه اوج لذت می‌رسد.

سمیه همسرش را دوست دارد و به علت معذوریت‌های فراوان از جمله حفظ کانون خانواده و به هم نریختن شرایط زندگی کودکانش، همواره در مقابل این تنوع‌طلبی سکوت کرده است.

همسر سمیه در شرایط عادی مردی محبوب، منطقی و مهربان است. او به طور فیزیکی هرگز به همسرش خیانت نکرده و اهل خشونت نیست اما جز با چنین تصوراتی به ارگاسم جنسی نمی‌رسد. با این همه این مساله برای سمیه خشونت و آزار محسوب می‌شود.

نیما ستارزاده، دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناس بالینی در پاسخ به این سوال که آیا رفتارهای نامتعارف جنسی خشونت شوند یا تغییر سبک زندگی، معتقد است این مساله به اندازه تعریف اخلاق حساس است و مرز روشنی ندارد: محسوب می‌تواند ببینید به نظر من اگر طرفین با هم به تفاهم رسیده باشند و از یک رفتار جنسی لذت ببرند نه تنها خشونت نیست بلکه می‌پایه و اساس استحکام یک رابطه خوب باشد. مهم این است که یک توافق ۰.۱ درصد در این مورد وجود داشته باشد. اما اگر این خواسته یکی از طرفین باشد، یا طرف دیگر بر اساس ملاحظاتی این رفتارها را پذیرفته باشد آن وقت است که کار سخت شود و بی‌تردید منجر به بروز خشونت خواهد شد. می‌

من مراجعی داشتم که به شدت به رفتارهای نامتعارف جنسی همچون خشونت در زمان سکس، بستن» گوید: او در ادامه می‌همسرش به تخت یا استفاده از ابزارهای عجیب لذت می‌برد و جالب است که همسرش هم گله و شکایتی نداشت. او در گفت‌وگو با من اعتراف کرد که با چنین شیوه متنوعی به ارگاسم جنسی می‌رسد. مشکل آنها این بود که داشتند بچه‌دار می‌شدند و طرف مرد ماجرا معتقد بود باید به این کارها خاتمه داد چون ممکن است به طور غیر مستقیم بر تربیت کودکان اثرات «اش نبود. نامطلوب بگذارد و طرف زن ماجرا راضی به ترک رفتارهای جنسی

کنند. چند سال پیش دکتر نارایانا ردی، سکس‌ولوژیست مشهوری ماجرا برخورد بر نمی‌شناسان همواره به این نرمی اما روان هندی در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی فارسی چنین رویه‌ای را رد کرده و گفته بود:

خواهد با آنها رفتار جنسی‌شان می‌اند که شریک جنسی کم یک درصد بیمارانش از این شکایت داشته‌در ۰.۲ سال اخیر، دست» نامتعارف داشته باشد.

آنها نزد آقای ردی از مواردی همچون سوزانده شدن با ته‌سیگار و کتک خوردن از شریکشان صحبت کرده بودند. بعضی از آنها گفته بودند که شریکشان بدن آنها را با سوزن سوراخ سوراخ کرده و برخی دیگر با زنجیر و قلاده سگ بسته شده و مقابل چشم دیگران تحقیر شده بودند.

فیتیش پا و فقر منابع مطالعاتی

زهرا روان‌آرام می‌گوید متاسفانه او و دوستانش در زمان تحصیل در دانشگاه با فقر شدید منابع آموزشی درباره رفتارهای

شوند. رو می‌روبه توجهی علمی‌اند. مواردی که به علت نگاه ایدئولوژیک در ایران با بی‌نامتعارف سکس مواجه بوده

شود. یک اختلال روانی محسوب نمی‌«پا پرستی» آرام در منابع خارجی محدودی که خوانده، متوجه شده که خانم روان

عضو است. گروهی که به کند. فرشته در یک گروه اینستاگرامی شناس سوال می‌خانه امن در مورد وضعیت فرشته از این روان خاطر تمایلات جنسی نامتعارف به پا دور هم جمع شده‌اند. یک عده مشتاقان پا هستند و دسته دیگری هم منجران این میل.

فرشته زنی ۸۲ ساله است که شش سال پیش ازدواج کرده. ازدواج فرشته سنتی و به میل خانواده‌ها و بعد از مدت زمان کوتاه. آشنایی به وقوع پیوسته.

او در این سال‌ها به جز در مواردی بسیار نادر هیچ لذتی از رابطه جنسی با همسرش نبرده است. او حتی رابطه جنسی با همسرش آور ماجرا نیست. علاقه‌همیشه در رختخواب خشن است. اما این بخش چندش» کند: را منجرکننده و وحشتناک توصیف می‌عجیبی به پاهای من نشان می‌دهد. او ایلش می‌خواست پاهایم را فلک کند. مرا به زور می‌خواست و شروع می‌کرد به زدن شلاق به کف پاهای من. وقتی با مقاومت من روبه‌رو شد به روش دیگری رو آورد. نوازش کردن و قلقلک دادن پاهای من. خنده‌ام می‌گرفت آن قدر که موجب دلخوری می‌شد. اما بعدها دیدم جریان جدی است. اگر با امتناع من مواجه می‌شد مشکلات بسیار زیادی در رابطه‌مان ایجاد می‌کرد. او می‌خواست پای مرا ببندد و با کمریند کبودش کند. رابطه‌ای نامتعارف و زجرآور که به دلم «انداخت. هراس می

همسر فرشته در شرایط عادی مدعی است که عاشق اوست، اما با شروع رابطه جنسی با هر آنچه در دسترس باشد شروع به زدن بر پاهای فرشته می‌کند؛ آن قدر که راه رفتن در روزهای بعد برای زن سخت و دشوار است. هر بار با آرام گرفتن شرایط، همسر فرشته از او معذرت‌خواهی می‌کند و قول می‌دهد که هرگز رفتارش را تکرار نخواهد کرد اما در مقابل این میل قادر به ام. دیدن آنها برایم دار از او هدیه گرفته‌های ساق بلند و نازک و کفشای پاشنه‌خوب من یک عالمه جوراب» مقاومت نیست: رنج‌آور است. بارها تصمیم گرفته‌ام بچه‌دار شوم اما این رفتارهای خشن همسر مرا منصرف می‌کند. توجه او به پاهای زن‌های «ام. رنجاند و همین باعث شده تصور کنم در یک رابطه نرمال و طبیعی قرار نگرفته‌دور و برمان هم مرا می

من آن حرف را جدی» خواهد کتکش بزند: قدر دوستش دارد که دلش می‌در روزهای نخست آشنایی، همسر فرشته به او گفته آن «نگرفتم و فکر کردم یک شوخی یا مزاح از سر احساسات است.

با زنی دیگر آشنا شده. زنی که مردش را به اصرار خود او برای رسیدن به اوج گوید که در این گروه اینستاگرامی فرشته می‌افتد. مرد از احساس مغلوب بودن و سحر با چوب و ترکه و کمریند به جان شوهرش می‌«کند: لذت جنسی و ارگاسم، فلک می‌برد. برده بودن لذت می

به گفته فرشته، تمام رویای سحر در اولین باری که وادار به این کار شده در هم شکسته است. او نقش همسرش را گم کرده تمایلی به این کار» کند: گر باشد به تحقیر خودش اصرار می‌های سنتی، باید قوی و حمایت‌است. مردی که بر اساس کلیشه ندارم. هر بار با احساس وحشتناکی تمام می‌شود و به از خود بی‌زاری می‌رسم. با صحبت کردن با مشاور هم مشکل حل نشده و قصد دارم درخواست طلاق بدهم. با وجود دو فرزندم احساس می‌کنم این نوع رابطه غیر معقول چنان مرا سرخورده و افسرده «کرده و حتی در رفتار با فرزندانم هم دچار عدم تعادل شده ام.

آیا مهم است که کلیشه‌ها و آموخته‌های سحر در مورد نقش مردانه تا چه اندازه درستند یا نادرست؛ وقتی که یکی از طرفین ماجرا احساس تحقیر و در هم شکستن می‌کند و مورد خشونت قرار می‌گیرد؟

یادداشتی از معصومه ابتکار / ME TOO ما و جنبش

معاون رییس جمهور در امور زنان و خانواده: تامین قانونی امنیت زنان، به رفع خشونت کمک می کند

جامعه > خانواده - قانون حمایت از کودکان و نوجوانان که اخیراً به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و به زودی توسط شورای نگهبان تایید نهایی خواهد شد، نمونه ای موثر در کشور ما بوده که می بایست با تصویب نمونه موثر دیگر یعنی لایحه قانون تامین امنیت زنان در برابر خشونت تکمیل شود. تامین قانونی امنیت زنان علاوه بر بازدارندگی، جنبه های قوی فرهنگی و اجتماعی دارد و می تواند زمینه های بروز خشونت علیه زنان از جمله تعرضات و سوء استفاده های جنسی کاهش و به تقویت نهاد مهم خانواده کمک کند.

معصومه ابتکار معاون رییس جمهور در امور زنان و خانواده در یادداشتی اختصاصی که برای خبرآنلاین نوشت، به بررسی جنبش می تو در کشورهای دنیا پرداخت.

متن کامل این یادداشت را در ادامه می خوانید:

تار و پود جوامع توسط روابط و مناسبات میان انسان ها پیوند می خورد و شکل می گیرد. این روابط اگر براساس احترام متقابل و رعایت حقوق فردی و شهروندی تنظیم شود، ماهیت هم افزایی یافته و به رشد متقابل استعدادها در مناسبات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و کاری منجر می شود. روابط در خانواده، مدرسه، دانشگاه، محیط کار و در میدان های فعالیت اجتماعی و داوطلبانه می تواند براساس روحیه همکاری، خیرخواهی، تلاش برای تعالی جامعه، پایمال نکردن حقوق افراد، پرهیز از خشونت کلامی و رفتاری و نفی تهمت، نفرت پراکنی و تخریب شخصیت باشد که البته کار بسیار دشواری بوده و در کمتر جامعه ای چنین رخداد آرمانی شکل گرفته است.

شاید به دلیل اهمیت و دشواری چنین رویکردهایی است که قرآن کریم و تعالیم دینی در آموزه های خود بطور مبسوط و تفصیلی وارد جزئیات شده اند. از جمله نقشه راه یا دستورالعمل های اجرایی ارائه کرده اند که البته براساس منشور مساوات انسان ها اعم از زن و مرد بوده و اعتبار افراد را به میزان تقوای آنها وابسته دانسته است. این منشور، رعایت عدالت و انصاف در روابط میان زن و مرد را علاوه بر رابطه زوجین در خانواده، به حدود محرم و نامحرم تسری داده و تعاریفی را برای حفظ حریم های جنسی و عزت نفس انسان ها و اعضای خانواده مطرح کرده است. در این آموزه ها احترام به پیمان خانوادگی، وفاداری به عهد، امانتداری و صدق مورد تاکید قرار گرفته تا از سوءاستفاده، تعرض به حریم فردی و تضييع حقوق و تحقیر انسان ها ممانعت شود. مثال بارز این موضوع تاکید قرآن کریم به غمض بصر است و ابتدا به مردان توصیه می کند که نگاه خود را مراقبت کنند. سپس به زنان توصیه هایی در مورد لحن صدا و نوع پوشش دارد که ناظر بر منفعت کلان فرد و جامعه است.

نظام روابط بین زن و مرد براساس تعالیم قرآن و سیره پیامبر و ائمه (ع) نظامی پیشرو بوده تا مانعی برای مشارکت اجتماعی و حضور زنان و مردان در ابعاد وسیع عمومی به وجود نیاید، در عین آنکه از احترام و کرامت زن و مرد کاسته نشود. اجرای این نظامات در دوران معاصر مانند آنچه در جمهوری اسلامی ایران و برخی دیگر از کشورهای اسلامی به اجرا درآمده، فراز و نشیب های زیادی داشته و شاید از روح این آموزه دور شده باشد، به نحوی که تنها به موضوع تذکر رعایت حجاب آنهم فقط توسط بانوان تبدیل شده است.

در حالی که تاکیدات قرآنی در روابط اجتماعی میان زنان و مردان با هدف آموزش مهارت های خوب زندگی کردن مانند حفظ امنیت، آزادی و کرامت انسان ها صورت گرفته، اما نحوه اجرای آن، سبب شده تا به عنوان محدودیت و حتی نادیده گرفتن آزادی و حق انتخاب افراد جامعه مطرح شود.

به بیان دیگر، متأسفانه آموزش سبک زندگی خوب ایرانی و اسلامی با روش های علمی و تربیتی شکل نگرفته است. برخوردارهای سلیقه ای توأم با عتاب که به آزدگی روحی و روانی مخاطب منجر می شود، اثرات توصیه های انسانی و اخلاقی و دینی را خنثی کرده و این تعالیم مهم را بی اثر می سازد. این در حالیست که امروزه در دنیا ثابت شده سبک زندگی سالم از ابعاد جسمی و روحی به مهارت های ارتباطی و تنظیم روابط بین زنان و مردان وابسته است و جنبش فراگیر Me Too مثال بارز این ادعا به حساب می آید. امروز این موضوع به طور جدی در جوامع مختلف مطرح است که راه حل روابط محترمانه و توأم با اخلاق و بدون سوءاستفاده جنسی، تحقیر و خشونت چیست

بسیاری از آسیب های اجتماعی ریشه در عدم خودباوری، فقدان مهارت های ارتباطی و نبود آگاهی در مورد معیارها و ملاک های موثر حقوق فردی و شهروندی دارد. معاونت رییس جمهور در امور زنان و خانواده نیز که این سوال از دغدغه هایش محسوب می شود، از حدود یک سال پیش گفت و گوی ملی خانواده را به عنوان یک راهکار مطرح کرده است

زمان آنست تا نوع خوانش و تفسیر خود را از اجرای ضوابط در کشورداری بعد از چهار دهه با هدف نزدیک تر شدن به روح تعالیم اسلام ناب محمدی (ص) و قرائت پیامبر و ائمه اطهار بیان کنیم و تجربیات سال های گذشته را به عنوان چراغ راه آینده قرار دهیم؛ تجربیاتی که اگر واقع بینانه، آزادمشانه و صادقانه مد نظر باشد می تواند پلی به سوی آینده در اصلاح روابط فردی، اجتماعی، خانوادگی، بین نسلی و تقویت شئون جامع قرار گیرد. به علاوه اینکه این تجربیات از جنبه فراگیر انسانی و بشری می تواند دریچه ای برای سایر جوامع باشد که با وجود پیشرفت های بزرگ علمی و اقتصادی و توسعه یافتگی در بسیاری از شاخص ها، در زمینه های اجتماعی و روانشناسی دچار مشکلات عمیق و گسترده هستند.

به عنوان مثال در امریکا دونالد ترامپ سال 2018 را سال اورژانس ملی برای مقابله با اعتیاد اعلام کرد. در آن کشور گرچه بیماری ها رو به کاهش داشته، اما نرخ خودکشی و بی خانمان ها روندی افزایشی را طی می کند. اخیراً رسانه های آن کشور اعلام کرده اند که طی 10 سال اخیر چنین مشکلاتی در 25 ایالت حدود 30 درصد فزونی یافته است. در همین حال، ظهور جنبش و جریان اجتماعی Me Too برای افشای سوء استفاده جنسی از زنان و موضوع کودکان در کلیسای کاتولیک که پیش تر در سطحی گسترده مطرح شد نشانه های جدی آسیب های این حوزه در جوامع مختلف است. شیوع این مشکل چنان کارد را به استخوان زنان رسانده که موارد سوءاستفاده یا تعرض جنسی در همه سطوح از جمله سطح عالی سیاسی توسط افراد معروف و سلبریتی ها اعلام و بازتاب گسترده ای را در رسانه های بین المللی داشته است. تا آنجا که شکایت یک زن علیه کاوانا گزینه ترامپ برای دیوان عالی امریکا، به موردی جنجالی تبدیل شد، اگر چه متأسفانه سنای امریکا به آن وقعی ننهاد. این جریان اعتراضی گسترده که حتی با راهپیمایی های بزرگ علیه سوءاستفاده های جنسی همراه شد، حاکی از وجود مشکلات با همه تأکیدات بر احترام و کرامت و آزادی های انسانی در آن جوامع است و اندیشمندان آنها را به بازنگری پارادایم فعلی آزادی های مفرط جنسی فرا خوانده است؛ نوع آزادی هایی که سال ها توسط بازارهای فرهنگی هالیوودی ترویج و تبدیل به روند و رویه ای در بسیاری از کشورهای دنیا شده و در زنجیره ای هماهنگ توانسته بازار کالا، لباس، هنر، رسانه، قاچاق انسان و خرید و فروش جنسی را مدیریت کند.

در این زمینه به طور یقین قوانین اهمیت زیادی دارند. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان که اخیراً به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و به زودی توسط شورای نگهبان تایید نهایی خواهد شد، نمونه ای موثر در کشور ما بوده که می بایست با تصویب نمونه موثر دیگر یعنی لایحه قانون تامین امنیت زنان در برابر خشونت تکمیل شود. تامین قانونی امنیت زنان علاوه بر بازدارندگی، جنبه های قوی فرهنگی و اجتماعی دارد و می تواند زمینه های بروز خشونت علیه زنان از جمله تعرضات و سوء استفاده های جنسی کاهش و به تقویت نهاد مهم خانواده کمک کند.

در هر صورت نظام جامع روابط اجتماعی و حقوق بشر نیازمند آگاهی، آموزش مهارت آفرینی، قوانین بازدارنده و کسب تجربه و عبرت است تا بتوانیم با سیاست های برگرفته از فرهنگ اصیل خود و خرد بشری، جامعه ای آگاه، هوشیار، ایمن و با اخلاق داشته باشیم.

الهه امانی/ سکوت در برابر تجاوز نابخشدنی است

Photo: Lonely11/depositphotos.com

تجاوز جنسی، تعرض جنسی و آزار جنسی سه مفهومی هستند که در ادبیات جنبش زنان به مثابه اشکال خشونت جنسی محسوب می شوند و معانی حقوقی متفاوتی دارند. فصل مشترک تمام اشکال خشونت جنسی آن است که تماس جنسی بدون رضایت کامل و آگاه طرفین صورت می گیرد. تعاریف قانونی و پاسخگویی در برابر آن در کشورهای مختلف، متفاوت است. در برخی از کشورهای جهان، تعرض جنسی به کلیه رفتارهای جنسی گفته می شود که رضایت طرفین در بین نبوده، در حالی که تجاوز صرفاً به نوع شدید تعرض جنسی و زمانی که بدن فرد مورد تعرض و تجاوز قرار می گیرد، اطلاق می شود. در دنیای امروز که به دلایل جامعه شناختی مختلف (که بحث جداگانه دارد)، انواع خشونت های جنسی افزایش یافته، چه بسا قربانیان این خشونت ها می توانند هر فردی از جنسیت، سن، رنگ پوست، نوع پوشش و گروه اجتماعی باشد.

بدون شک برخی از گروه های اجتماعی بیش تر از دیگران آسیب پذیر هستند. میزان آسیب پذیری بستگی به مناسبات قدرتی دارد که فرد در جامعه با سایر گروه های اجتماعی دارد. در جامعه پدر- مردسالار، افرادی که به دلایل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و چه بسا سیاسی در حاشیه قرار داشته و در موقع قدرت نیستند، بیش تر در معرض خطر خشونت جنسی قرار دارند. خشونت جنسی که در برگیرنده تجاوز جنسی، تعرض جنسی و اذیت و آزار جنسی است، به اشکال گوناگون صورت می گیرد. خشونت جنسی بدون سلاح سرد یا گرم، در سکوت و در فریاد اعتراض، آشکار و پنهان، علی رغم میل و اراده فرد مورد خشونت انجام می شود.

خشونت جنسی الزماً نه در تاریکی شب یا در فضای ناامن، نه توسط افراد ناشناس، بلکه می تواند توسط افرادی که به علت آشنایی، اعتماد فرد مورد خشونت را کسب کرده و در فضای خانه و مناسبات زوجین صورت گیرد.

به طور عموم، خشونت جنسی توسط مردان و پسران علیه زنان و دختران صورت می گیرد، البته پژوهش های گوناگون به موارد خشونت جنسی بین مردان زندانی قدرتمند در فضای زندان های عمومی به ویژه در آمریکا و روابط هم جنس گرایان نیز اشاره دارد.

فعالان حقوق انسانی زنان و فمینیست ها بر آنند که خشونت جنسی (تجاوز، تعرض و آزار) عمدتاً با سکوت در جوامع مختلف همراه است و نقض آشکار و صریح حقوق و کرامت انسانی زنان است. خشونت جنسی زمینه های مشخصی دارد که هواداران برابری جنسی-جنسیتی بر آن تاکید دارند. از جمله آن که "سکوت باید شکسته شود" و این که "خشونت جنسی به ندرت صورت نمی گیرد" و واقعیتی است از زندگی تلخ دختران و زنان. در خلال ۰۶ سال گذشته، ادبیات غنی نه تنها در کشورهای پیشرفته غربی، بلکه در بسیاری از کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین نیز در زمینه موارد متعدد تجربه خشونت جنسی به نگارش درآمده و صدای مقابله با خشونت جنسی و تبعات آن هر روز رساتر شده است. این ادبیات، بر مکانیسم های مناسبات قدرت پرتو افکننده تا رفتارهای گروه های اجتماعی از جمله تجاوز در زندان های عادی به ویژه زندان مردان (در آمریکا) و هم چنین تجاوز و تعرض گروهی به زنان در مناطق جنگی توضیح داده شود. خشونت و تجاوز جنسی به مثابه خرد کردن اعتماد به نفس و کرامت انسانی و چه در مورد زنان زندانی، یا در مناطق جنگی برای ایجاد رعب و وحشت نمودهایی از چنین جنگ روانی است. این در حالی است که خشونت جنسی نیز خود را به اشکال گوناگون در فضای واقعی و فضای مجازی بازتولید می کند.

در آمریکا، آمارهای نسبتاً دقیقی در زمینه موارد خشونت های جنسی وجود دارد و سازمان ها و نهادهای غیردولتی برای از بین بردن موانع عدم گزارش خشونت های جنسی گام های موثری برداشته اند. طی برآورد تحقیق جامعی که در آن با ۶۱ هزار زن مصاحبه صورت گرفته، ۳/۸۱ درصد از زنان و دختران در مرحله ای از زندگی خود خشونت جنسی را تجربه کرده اند. از این تعداد ۲/۲۴ درصد، زیر سن ۸۱ سال تجربه خشونت جنسی را تجربه کرده اند.

علی رغم آمارهای فوق، هنوز حتی در آمریکا بسیاری از موارد خشونت جنسی گزارش داده نمی شود. واقعیت آن است که در بستر تاریخ مدرن، زنان به مثابه نیروی فرودست جامعه در زمره "دارایی" و "ثروت" بخش قدرتمند جامعه - که مردان بوده و هستند-، به شمار می آیند. ارزش این "ثروت" با "پاکی" و "عفت" زن در ارتباط نزدیک بوده و چنان چه زن یا دختری مورد خشونت جنسی قرار گیرد، ارزش های سنتی، بار آن را بر دوش فرد مورد خشونت قرار گرفته، می گذارند و به نحوی "ارزش" این دارایی و "ثروت" کم می شود. با چنین پیشینه ای است که می توان درک نمود که در طول تاریخ تجاوز به زنان و دختران با جبران خسارت به مرد خانواده اعم از پدر، همسر، پسر زن و دختر مورد خشونت واقع شده، پرداخت می گردد.

سکوت قانون حتی در کشورهای پیشرفته جهان در برابر "تجاوز" و "تحمیل" و "یا" رابطه بدون رضایت "حتی در مناسبات زناشویی از

چنین تکیه گاه نظری برخوردار است که در آمریکا هم تا سال های ۰۹۹۱ مطرح بود. کمیسیون زنان سازمان ملل، در اوایل دهه ۰۰۰۲، برای نخستین بار چنین مناسباتی را در زمره خشونت جنسی علیه زنان قلمداد کرد. این امر که حتی امروزه در بسیاری از قوانین کشورهای جهان انعکاسی ندارد و خشونت در مناسبات زناشویی اساساً مطرح نیست، به دلیل ارزش ها و ساختارهای سیستم پدر-مردسالاری سنتی است که مرد "مالک" است و "حق دارد" از آن چه به وی تعلق دارد، هرگونه خواست استفاده نماید. نکته شایان توجه آن است که در سیستم های ستمگرایانه و مناسبات قدرت بردگان سیاه پوست زن و مالکان آن نیز، چنین مناسباتی وجود داشته و اساساً "تجاوز" یا هرگونه خشونت جنسی، جرم محسوب نشده و حتی دارای بار منفی نیز نبوده است، زیرا مرد مالک، در واقع "حق" خود می دانست تا با بردگان خود هر آن گونه که می خواهد رفتار کند.



دقیقاً با چنین تفکراتی است که در طول تاریخ، اساساً خشونت جنسی در مورد زنان روسپی که در واقع در "مالکیت" مردی محسوب نمی شدند، مطرح نبوده؛ چرا که اعمال خشونت جنسی به "دارایی" و "ثروت" مردی آسیب نمی رسانده است.

به اعتبار پیشینه تاریخی و فرهنگی فوق است که زمانی که هواداران حقوق انسانی زنان و فمینیست ها تجاوز و خشونت جنسی را جرمی علیه مردان اعلام می کنند، در واقع ادعایی انقلابی است، زیرا مناسبات پدر-مردسالاری را به چالش کشیده و زن را به مثابه یک انسان که نه در مالکیت مرد بلکه صاحب کرامت انسانی و حقوق انسانی است، قلمداد می کند. رویکردهای فمینیستی و هواداران حقوق انسانی زنان از خشونت جنسی با چهار ویژگی نام می برند:

۱- محرومیت زنان از کنترل و حق بر بدن خود. کنترل مردان بر جنسیت زن، بدن زن و تولید مثل یکی از شالوده های نظام پدر-مردسالاری، نظام نابرابر و ستمگرایانه است.

۲- مفهوم تجاوز همپای مفاهیمی چون "حقوق انسانی زنان" بسط و گسترش یافته و تنها دربرگیرنده آسیب های فیزیکی دیگر نیست. بلکه دربرگیرنده آسیب های روانی و احساسی که می تواند دراز مدت بوده و بهره مندی زن و دختر را از زندگی سالم جسمی و روحی و روانی به مخاطره اندازد.

۳- خشونت جنسی و اشکال گوناگون آن الگوهای کنترل آزادی زنان را بازتولید کرده و بهره مندی زنان را از آزادی و کرامت انسانی به مخاطره می اندازد.



۴- تجاوز جنسی و به طور کلی خشونت جنسی در زیر چتر ایدئولوژی های ستم گروهی می تواند مورد بررسی قرار گیرد. این ایدئولوژی ها و سیستم های چندگانه تسلط از جمله نژادپرستی و کلینیالیسم با خشونت جنسی و ساختارهای سیستم پدر-مردسالارانه تولید و بازتولید می گردند. از این رو به چالش کشیدن مناسبات قدرت ستمگرانه و نابرابر نقطه مشترک ساختارهای پدر-مردسالارانه یا نژادپرستی کلینیالیسم است.

به طور اجمالی خشونت جنسی باید جدی گرفته شود، آسیب های آن به رسمیت شناخته شود و افرادی که عامل خشونت های جنسی هستند باید از نظر قانونی پاسخگو باشند. بار مسئولیت خشونت جنسی بر دوش فردی است که خشونت را اعمال نموده و افراد، نهادها و سیستم های حکومتی که راه اجرای عدالت را برای فرد مورد خشونت واقع شده مسدود کرده اند در حقیقت با تایید غیر مستقیم فرد متجاوز، زندگی سالم زنان و دختران دیگر را به مخاطره می اندازند.

انگاره های بی اعتبار ذهنی چون "کرم از خود درخت است"، "تقصیر خود زن است" آب تظهير بر فرد متجاوز و معترض ریخته و دست وی را باز می گذارد تا رفتارهای شنیع خود را ادامه دهد. حتی افراد و یا رسانه هایی که موضع "میانه" گرفته و برای مثال ابراز می دارند که "حتماً تقصیر خودش بوده که وی (مرد) را تحریک کرده که او این خشونت را انجام دهد"، "برای پیشبرد منافع خود این کار را کرده"، "برای اخاذی این توطئه را چیده"، "استفاده ابزاری از مرد نموده"، و دیگر اظهاراتی از این گونه فرض را بر این می گذارد که فرد مورد خشونت واقع شده و فردی که خشونت را اعمال نموده از مسئولیت برابری برخوردارند. در حالی که تعرض و تجاوز و اذیت و آزار جنسی "انتخاب" فرد متجاوز و معترض است. چنان چه فردی در چنین موقعیتی قرار گیرد، حق انتخاب دارد که به جای "تجاوز"، "تعرض" و اعمال خشونت انتخاب های دیگری نموده؛ از جمله این که محیط را ترک کند. در حالی که فردی که خشونت را اعمال می کند به خود "این حق را می دهد" که خشونت را اعمال نماید؛ زیرا می داند از زیر بار پاسخگویی آن به یمن مناسبات قدرت پدر-مردسالارانه شانه خالی می کند.

فرهنگ خشونت جنسی چیست؟

فرهنگ خشونت جنسی، در برگرفته تجاوز جنسی، تعرض جنسی و اذیت و آزار جنسی، فرهنگی است که از طریق زبان و کلام زن ستیزانه اعمال می گردد، بدن زن را کالایی نموده و خشونت جنسی را به امری "عادی" و "نرم" در جامعه مبدل می کند.

نمادهای فرهنگ خشونت جنسی به قرار ذیل هستند:

* سرزنش قربانی با قراردادن مسئولیت خشونت بر دوش فرد مورد خشونت واقع شده و بار دیگر، فرد را در چرخه خشونت قرار دادن؛ اظهاراتی چون "خودش خواسته"، "کرم از خود درخت است".

* توجیه خشونت جنسی با اظهاراتی از قبیل "مردها دیگر مرد هستند"، "زن ها باید مواظب خودشان باشند".

* جوک ها و مزاح هایی که جنسی و زن ستیز است.

* سکوت و تحمل در برابر خشونت های جنسی.

* توجیه خشونت با برداشتن بار مسئولیت از دوش فردی که اعمال خشونت کرده و قرار دادن آن بر روی رفتار، وضعیت روحی، لباس زن، انگیزه ها و گذشته رفتاری زن و غیره.

* تعریف مردانگی و کاربرد آن با واژه هایی چون مسلط، قدرتمند و از نظر جنسی متهاجم.

* تعریف زنانگی و کاربرد آن در زبان با واژه هایی چون مطیع، ساکت، پذیرا، و از نظر جنسی منفعل.

* بار مسئولیت تجاوز و تعرض را به دوش قربانی انداختن و با انگاره های ذهنی چون "زن بی بند و بار" مورد تجاوز قرار می گیرد.

* محدود نمودن آزادی زنان و دختران برای رفت و آمد، حضور در فضای عمومی، کنترل رفتار، لباس پوشیدن، و حتی ربودن شادابی جوانی و بار مسئولیت امنیت زنان و دختران را تنها بر دوش آن ها نهادن و مردان را از هر قید و کنترلی بر رفتار خود آزاد نمودن.

* عدم به رسمیت شناختن خشونت جنسی به مثابه یکی از موانع جدی زندگی سالم جسمی، روحی و روانی زنان و دختران و نقض حقوق و کرامت انسانی آنان.

ایران

در سال های اخیر به طور فزاینده ای شاهد خشونت های جنسی به اشکالی که در ایران کم تر وجود داشته، بوده ایم. واقعه تجاوز تکان دهنده به کودک خردسال ۵ ساله افغانستانی در خرداد ماه سال جاری در اصفهان که پس از ربوده شدن، مورد تجاوز قرار گرفت، در واقع پرده از آسیب های کلان کودک آزاری و خشونت جنسی برداشت. جای شرم است که افرادی که در موضع قدرت قرار دارند، به جای آسیب شناسی و ایجاد فضای امن برای کودکان (برای مثال در تحقیقی در شهر ارومیه ۰۵ درصد کودکان مورد اذیت و آزار قرار گرفته اند)، اظهاراتی نظیر نماینده خمین داشته باشند: «کسی که ماجرا را افشا کرد، می خواهد فرهنگ فحشا را رواج دهد.»

هم چنین ناظم دبیرستانی در تهران با بیش از ۰۵۱ دانش آموز که با ارسال فیلم های پورن و خوراندن مشروبات الکلی دست به برقراری روابط جنسی و هم چنین وادار نمودن دانش آموزان به برقراری چنین روابط ناسالمی بین خودشان زده است. اذیت و آزار جنسی دانش آموزان دبیرستان معین توسط ناظم مدرسه، نمونه دیگری از خشونت های جنسی گروهی است. در این پرونده، کوتاهی، تعلل و بی تفاوتی مدیر و موسس مدرسه امری است که نباید بر آن چشم پوشی کرد.

فاطمه سعیدی، عضو کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی در گفتگو با شرق می گوید: «مسئله اصلی این است که گزینش آموزش و پرورش شامل تست های دقیق و بسیار مهم روانی نمی شود. به جای پرسیدن سوالات شخصی و سرک کشیدن به زندگی مردم توسط حراست، بروید ببینید چگونه یک بیمار روانی در مدرسه به ۶۱ دانش آموز را مورد آزار جنسی قرار می دهد؟ چند بار خبر آزار و تعرض و کتک خوردن بچه هایمان را بشنویم تا تصمیم بگیریم یک فکر اساسی کنیم؟» واقعیت آن است که ناهنجاری های جنسی - جنسیتی آن چنان در جامعه ایران گسترده شده که دیگر نه تنها فضای مدرسه، بلکه فضای عمومی نمی تواند فضای امنی برای نوجوانان و کودکان باشد.

پرونده تجاوز به زنان ایرانشهر نیز، جدیدترین نمونه چنین خشونت جنسی گروهی در ایران است. مولوی طیب ملازهی، امام جماعت مسجد نور اهل سنت ایرانشهر در خطبه های نماز عید فطر به تجاوز به ۱۴ دختر در این شهرستان اشاره نمود. وی از مسئولان برای پیگیری جدی درخواست نمود. مولوی طیب ملازهی اظهار داشت که پدر یکی از این دختران آسیب دیده از وی تقاضا نموده بود تا با طرح این مسئله اطلاع رسانی گردیده و از وقوع موارد دیگر پیشگیری شود.

جای تاسف است که دادستان عمومی و انقلاب زاهدان به جای آن که عدالت را در مورد افرادی که مرتکب خشونت جنسی شده اند - و به نظر می رسد از صاحبان قدرت در شهر هستند - اجرا کند، اظهار می دارد: «با توجه به وجود یک سری مسائل از جمله تحریم و مشکلات اقتصادی، کشور نیاز به آرامش و ثبات دارد و مردم باید هوشیار و آگاه باشند و تحت تاثیر فریب فردی که خود را مسئول یکی از شبکه های مجازی معرفی کرده و در خارج از کشور ساکن و جزو معاندان نظام است، برای تجمع و تحصن قرار نگیرند.»

دادستان کل کشور هم با تکذیب این واقعه دهشتناک اعلام نمود که منبع خبر تجاوز به گروهی از زنان سیستان و بلوچستان مورد تعقیب قرار می گیرد.

اخبار و اطلاعاتی که در زمینه این تجاوز گروهی در مطبوعات ایران انعکاس یافته، بر این امر تاکید دارد که با توجه به فرهنگ خشونت جنسی که در ایران گفتمان غالبی است، بسیاری از خانواده های دخترانی که مورد خشونت قرار گرفته اند، آن ها را لکه ننگی بر دامان خانواده قلمداد کرده و حتی برخی چه بسا اقدام به "حذف فیزیکی" دختر خود بنمایند. در چنین فضایی است که دختران و زنان در ایران از طرح شکایت در زمینه خشونت جنسی واهمه دارند. مکانسیم های "شرم" و "آبرو" در کلیه جوامع بشری عمل می کند، اما پژوهش های اجتماعی نشان می دهد که نابرابری های جنسیتی در جامعه، گفتمان غالب قرار دادن زنان به مثابه شهروندان درجه دو و فرهنگ زن ستیز، عدم برابری حقوق زنان و مردان از منظر قانون، مناسبات قدرت و سیستم پدر - مردسالاری، تأثیری کلان در نحوه و میزان گزارشات

خشونت های جنسی دارد.

قرار دادن بار مسئولیت خشونت های جنسی نه توجیه برخی از رهبران مذهبی که "عدم امکانات تفریحی، گذران اوقات فراغت، جبر جغرافیایی و دوری از مرکز، بدی آب و هوا" را مطرح ساخته و نه پرده پوشی جرایم خشونت های جنسی آن گونه که دادستان کل جمهوری اسلامی اظهار داشته که "شرعاً موظفیم برخی اخبار را علنی نکنیم، تشویش اذهان عمومی جرم است و بنابراین اخبار را با هدف آب به آسیاب دشمن ریختن نشر ندهیم"، عدالت را برای قربانیان خشونت های جنسی تحقق نمی بخشد. انسجام و پایداری یک جامعه در گرو آن است که صاحبان قدرت از حقوق شهروندان، به ویژه گروه هایی که آسیب پذیری بیش تری دارند، دفاع نموده و اعتماد شهروندان را با برداشتن گام های مثبت و سیاست های فراگیر برای آرامش، امنیت و کرامت انسانی زنان و دختران بردارند.

منبع: خط صلح

سکس و دولت: تأملی بر سیاست سکس در جمهوری اسلامی

Photo: peace-mark.org

امید شمس

رابطه میان قدرت و سکس چه در وضعیت طبیعی کمون های نخستین و چه در وضعیت غیرطبیعی جوامع متمدن انکار ناپذیر است. بدوی ترین باز نمود این رابطه رقابت و زور آزمایی بر سر سکس یا انواع آیین های انتخاب جفت است. اما آن چه به طور ویژه به جوامع متمدن تعلق دارد، سیاست سکس است؛ یعنی مجموعه ای از ساز و کارهای قراردادی که سکس را از سطح فعالیت صرفاً بیولوژیک فراتر می برد و مجموعه پیچیده ای از دلالت ها و ارزش های نمادین را بر آن سوار می کند. به عبارت دیگر، سیاست سکس روابط متنوع میان قدرت و سکس را از طریق این ساز و کارها و به پشتوانه انواع مراقبت و مجازات به شکلی هدفمند و در جهت کنترل گروه های اجتماعی جهت می دهد. این یادداشت با مروری موجز بر کنترل جنسی در ایران، بر سیاست سکس در جمهوری اسلامی و بحران های مولود این سیاست تمرکز می کند و تلاش می کند تا نشان دهد بر خلاف آن چه تصور می شود، میان سیاست سکس در اسلام و سیاست سکس در جمهوری اسلامی تناقضات و تعارضاتی عمیق وجود دارد که نشان دهنده اهداف، ساز و کارها و انگیزه های ویژه حکومت ایران نه به مثابه یک حکومت مذهبی که به مثابه یک حکومت اتوریتاریان عمیقاً بحران زده است که از پیوند میان دیکتاتوری مدرن و ارتجاع مذهبی پدید آمده و امکان رهایی از هیچ کدام برایش ممکن نیست.

پیشینه سیاست سکس

کنترل، تنظیم و تمشیت روابط جنسی از ابتدای شکل گیری امپراطوری ایرانی تا کنون وجود داشته است. می توان گفت کنترل جنسی از نخستین مظاهر پیدایش کنترل سیاسی و اقتصادی بوده است. در دوران هخامنشی و بنا بر آیین زرتشت تنها سه نوع رابطه جنسی پذیرفته می شد: زنی که پتیخشایه (ازدواج متعهد)، ازدواج ابدالی، رابطه همخوابگی. ازدواج متعهد تفاوت چندانی با رسم ازدواج کنونی نداشت و مبتنی بر همان قوانین پدرسالاری بود که زن را جسماً و روحاً ملک مرد تلقی می کرد. اما ازدواج ابدالی نشانه ای از تداوم کنترل جنسی زن حتی پس از مرگ مالک بود. با مرگ مردی که پسری از او به جا نمانده است، بیوه او را به ازدواج نزدیک ترین خویشاوند در می آوردند و اگر بیوه ای در کار نبود دخترش این وظیفه را به عهده می گرفت و اگر زن یا دختر نداشت با ماترک او زنی می خریدند و به نزدیک ترین خویش او می دادند و پسری که از این وصلت زاده می شد، از آن متوفی محسوب می شد. چنین ازدواجی را ازدواج ابدالی می گفتند و دلیل آن اهمیت ویژه فرزند پسر در دین زرتشتی به عنوان یکی از شرایط رستگاری بود. (۱) نوع سوم از رابطه جنسی، رابطه همخوابگی بود که تنها برای بیوه ای مجاز شمرده می شد که بچه دار باشد اما واجد شرایط ازدواج ابدالی نباشد. در چنین شرایطی او می توانست همخوابه ای برگزیند و همخوابه در عوض سکس وظیفه داشت از او و کودکش تا زمان بلوغ نگهداری کند. به عبارت دیگر اگر امکان انتقال خودکار مالکیت سکس از مالک نخستین به وارث اش وجود نداشت، این به عهده زن بود تا مالک جدیدی بیابد.

در تمام موارد فوق ما با اقتصاد سکس مواجهیم که از طریق تضمین های سیاسی (قوانین و مجازات) اعمال می شود. اقتصادی که سکس را تنها به مثابه ارزش مصرف در نظام گردش ساده کالا تعریف می کند: فروش (سکس) برای خرید (معیشت). چنین رابطه ای نه منحصر به ایران است و نه ویژه آن دوران. در عین حال رابطه حکومت و سکس، یا به عبارت بهتر سیاست سکس، فراز و نشیب ها و قبض و بسط

های بسیاری داشته است. به این معنا که میان آداب و حدود سکس که منبعث از مذهب بوده است با سیاست سکس، همواره تطابق نعل به نعل و سختگیرانه ای وجود نداشته است. چنان که در دوران امپراتوری پارت با وجود مجازات های سخت برای زناکاری، در بخش هایی از ایران روابط خارج از ازدواج برای زنان شوهردار نه مذموم، بلکه مرسوم بوده است. (۲)

اما آن چه اهمیت ویژه دارد این است که در این چرخه مبادله، چه بر سر مهم ترین عنصر سازنده سکس، یعنی میل می آید؟

برای پاسخ به این پرسش شرایط حاکم بر سکس در ایران پس از اسلام اهمیتی ویژه دارد. با وجود مشابهت های بسیاری که در ساختار تحدید کننده قوانین سکس در پیش و پس از ورود اسلام به چشم می خورد، اما سیاست سکس در ایران پس از اسلام در چند ویژگی منحصر به فرد است. نخست این که اسلام به صراحت مفهوم میل جنسی را مورد خطاب قرار داده، آن را به رسمیت می شناسد. و دوم این که شکلی نظام مند از سخن جنسی را که تبیین کننده سیاست سکس و به نوبه خود سیاست میل در اسلام است، بنیان می نهد.

اسلام، میل و سخن جنسی

در اسلام مفهوم میل جنسی تحت عنوانین مختلف از جمله "قوه باه" مورد خطاب قرار گرفته است. در کتاب صحیح بخاری آمده است که محمد جوانان را نصیحت کرده بود که اگر قادر به ازدواج نیستند روزه بگیرند که "روزه قوه ی باه را فرو کاهد". اگرچه در غریب به اتفاق روایات اسلامی دعوت به سرکوب میلی جنسی شده است اما نمی توان از این نکته در گذشت که در اسلام میل جنسی امری بالذات پلید و مضر تعریف نشده است.

در واقع اسلام بیش از هر دین ابراهیمی دیگری به موضوع سکس پرداخته است و به موازات تمرکز وسواسی اش بر سیاست سکس، سخن گفتن در باب سکس را به صراحت و با جزئیات نهادینه کرده است. اگر دین زرتشت به تعیین حدود و شکل رابطه جنسی در سه گانه ای که وصف آن رفت قناعت می کرد، اسلام به ریزترین جزئیات سکس به شکل مشروح می پردازد و سخن جنسی را در بستری نهادینه می کند که نشان از دوگانه ای غریب در سیاست سکس اسلامی دارد. از یک سو مانند تمام ادیان ابراهیمی، و در راستای سیاست جمعیتی انسان یکجا نشین، مبلغ تک شوهری است، و در نتیجه تعامل (و نه رفتار) جنسی را تنها در چارچوب ازدواج و سکس را به مثابه ابزار تولید تعریف می کند، و از سوی دیگر دایره وسیعی برای امیال جنسی در نظر می گیرد که دامنه آن بسته به مکاتب فقهی مختلف تغییر می کند اما به وضوح مفهوم لذت جنسی فارغ از جنبه تولید را هم در برمی گیرد.

شاید به جرات بتوان گفت که گفتمان جنسی در ایران پس از اسلام است که در ابعادی گسترده و به صریح ترین شکلی نهادینه می شود. ویژگی مهم سخن جنسی در اسلام آن است که مانند باقی ادیان ابراهیمی محدود به وجه سلبی نیست بلکه به وضوح و جوهی ایجابی دارد اگرچه این جوه ایجابی بسیار نادر است.

حلیه المتقین از محمد خطاب به علی چنین روایت می کند:

«مستحب است در شب اول ماه رمضان جماع کردن و از ابوسعید خدری منقول است که حضرت رسالت پناه وصیت نمود به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام یا علی چون عروسی داخل خانه تو شود کفش هایش را بکن تا بنشیند و پاهایش را بشو و آن آب را از درخانه تا منتهای خانه بپاش...»

یا علی اگر جماع کنی در شب سه شنبه و فرزندی بهم رسد بعد از سعادت اسلام او را روزی شود و دهانش خوشبو و دلش رحیم و دستش جوانمرد و زبانش از غیبت و بهتان پاک باشد. یا علی اگر جماع کنی در شب پنجشنبه و فرزندی بهم رسد حاکمی از حکام شریعت یا عالمی از علماء باشد و اگر در روز پنجشنبه وقتی که آفتاب در میان آسمان باشد نزدیکی کنی با زن خود و فرزندی بهم رسد شیطان نزدیک او...»

در جای دیگر می نویسد:

«از حضرت صادق پرسیدند که اگر کسی زن خود را عریان کند و باو نظر کند چو نیست؟ فرمود که مگر لذتی از این بهتر می باشد و پرسیدند که اگر به دست و انگشت با فرج زن و کنیز خود بازی کند چو نیست؟ فرمود باکی نیست اما بغیر اجزای بدن خود چیزی دیگر در آن جا نکند. و پرسیدند که آیا می تواند در میان آب جماع بکند فرمود باکی نیست.» (۳)

صراحتی که در این سخنان به چشم می خورد در ایران پیش از اسلام نادر است؛ در حالی که چنین صراحت و وسواس در جزئیات وجه غالب متون فقهی اسلامی است که بخش قابل توجهی از آن ها به قوانین و باید و نبایدهای سکس اختصاص دارد.

این دایره گسترده سخن جنسی و به ویژه این صراحت و جزئی نگر، دو سویه اساسی را هویدا می کند. نخست نشان می دهد که در برابر شرمساری بنیادین و انزجار فطری از سکس که در مسیحیت بارز است، اسلام به وضوح سکس و به ویژه میل را البته در قوالب تقلیل گرایانه خود پذیرا می شود. و در وهله دوم، نشانگر روح اتوریتاریان اسلام و رغبتی بیمارگونه به کنترل جزئی ترین و خصوصی ترین کنش

های انسان است.

اکنون پرسش این است که نسبت جمهوری اسلامی با سیاست سکس اسلامی چیست؟

جمهوری اسلامی و سیاست سکس

بر خلاف رویه فاش و صریح اسلام در قبال سخن جنسی، سیاست جمهوری اسلامی بر حذف کامل سخن جنسی و محو تمام مظاهر جنسی از سطح مرئی جامعه استوار است. در حالی که در بسیاری از روایات اسلامی آموزش های ویژه ای در قبال بایدها و نبایدهای سکس موجود است، جمهوری اسلامی سیاست سکس زدایی از جامعه را در پیش گرفته است. تصویر ایده آل، یک جامعه فاقد اندام جنسی با هدف کنترل سختگیرانه میل است. محو کامل سکس از تصویر عمومی جامعه شکافی عظیم در آگاهی جنسی پدید آورده و در عین حال نتیجه ای مطایبه گون داشته است. میل ارتباطی ناگسستگی با فقدان دارد. عنصر محرکه میل فقدان و دست نیافتنی بودن ابژه است. تا جایی که برخی ابژه بنیادین میل را مادر و دست نیافتنی بودن او و سایر ابژه های میل را جایگزینی برای این ابژه ناممکن دانسته اند. (۴) لاکان درباره میل می نویسد: «میل نیازمند حمایت فانتزی است، که در حکم صحنه پردازی (میزانسن) میل عمل می کند، جایی که سوژه در حال محو شدن با ابژه مفقود روبه رو می شود و همین میل را در او ایجاد می کند.» (۵)

محو کردن سخن جنسی و مظاهر سکس و فقدان عظیمی که در نتیجه آن پدید آمده است، تمامی عرصه عمومی را به «صحنه فانتزی» بدل کرده که به نوبه خود به فوران جنون آمیز میل انجامیده است. این جاست که حکومت تنها ابزاری که برای کنترل در اختیار دارد، خشونت و مجازات است. به عبارت دیگر، جمهوری اسلامی حتی سیاست سکس اسلامی را هم سکس زدایی کرده است و تا جایی پیش رفته است که حتی فصول جنسی در متون فقهی، تصویری غیرعادی، شوک آور و ممنوعه را پیش چشم می گذارند. در جامعه ای که سکس در هیچ جا حضور مرئی ندارد، همه چیز - مطلقاً همه چیز-، با سکس گره خورده است.

از سوی دیگر، سیاست های تفکیک جنسیتی حکومت، به نوعی شرایط خاص در تجربه شناخت جنسی کودکان و نوجوانان را دامن زده است. نخستین تجربه های جنسی در شناخت بدن، اندام های جنسی، و میل در میان هم جنس ها رخ می دهد. البته نه به واسطه یک کشش طبیعی، چنان که در هر ارتباط همجنس خواهانه ای رخ می دهد؛ بلکه به واسطه تحمیل یک محیط اجتماعی تک جنسی. این گونه است که سیاست سکس جمهوری اسلامی در تمام موارد نتیجه ای به بار آورده که در تضاد بنیادین با اصول و باورهای مقدسی است که این سیاست بر آن بنا شده است.

اما بحران های درونی این سیاست به این جا ختم نمی شود. بزرگ ترین چالش درونی، مواجهه جنبه های مدرن یک کنترل سیاسی اجتماعی اتوریتراریان با جنبه های سنتی یک مذهب در خودفرمانده و سترون است. این تضاد بیش از همه خود را در چارچوب انطباق قوانین جزایی و کیفری ایران با احکام اسلامی نشان می دهد.

حکومتی که از یک سو، برای مراد با جهان نیازمند تکیه ای هرچند ظاهری و دروغین بر جنبه های مدرن قانونگذاری است، از سوی دیگر خود را موظف به اجرای احکام اسلامی می داند و در این میان در هر دو عرصه بازنده است.

نگاهی به قوانین کودک-همسری، کودک آزاری و تجاوز کافی است تا به عمق تضاد و دشواری های حکومت برای آشتی دادن سویه های ارتجاعی خود با تعهدات بین المللی اش در چارچوب قوانین مدرن پی ببریم.

در سال ۱۳۳۱، در قانون مدنی ایران در ماده ۱۴۰۱، برای نخستین بار مسئله کودک-همسری مورد توجه قرار گرفت و حداقل سن ۵۱ سال برای دختران و ۸۱ سال برای پسران به تصویب رسید. در سال ۱۳۵۳۱، ماده ۳۲ قانون حمایت از خانواده، این حداقل سنی را به ۸۱ سال برای دختران و ۰۲ سال برای پسران افزایش داد.

پس از انقلاب، ماده ۳۲ لغو و ماده ۱۴۰۱ جایگزین شد. در سال ۱۳۷۳۱، با نظر شورای نگهبان، حداقل سن به ۹ سال برای دختران و ۵۱ سال برای پسران تغییر کرد. در سال ۱۳۷۳۱، با وساطت مجمع تشخیص مصلحت، حداقل سن ازدواج به ۳۱ سال برای دختران و ۵۱ سال برای پسران تغییر کرد. از آن زمان تا کنون هنوز مجلس در گیر و دار تغییر این قانون است. در نهایت امروز حداقل سن ازدواج در قوانین ایران نه بر مبنای احکام اسلامی قابل قبول است و نه بر اساس موازین بین المللی پذیرفتنی است.

این تضادها به ویژه در جرم انگاری مسئله کودک آزاری و آزار جنسی کودکان مشکل زاست. بر اساس تحریر الوسیله روح الله خمینی:

«کسی که زوجه ای کم تر از نه سال دارد وطی او برای وی جایز نیست چه این که زوجه دائمی باشد، و چه منقطع، و اما سایر کام گیری ها از قبیل لمس به شهوت و آغوش گرفتن و تفخید (۶) اشکال ندارد هر چند شیرخواره باشد، و اگر قبل از نه سال او را وطی کند اگر افضاء نکرده باشد به غیر از گناه چیزی بر او نیست، و اگر کرده باشد یعنی مجرای بول و مجرای حیض او را یکی کرده باشد و یا مجرای حیض و غائط او را یکی کرده باشد تا ابد وطی او بر وی حرام می شود.» (۷)

با این که تحریر الوسیله از کتب مرجع قوانین فعلی جمهوری اسلامی ایران است، اما به وضوح با قوانین جاری در تعارض است. با این وجود و فارغ از نص این حکم که مصداق بارز و منجز کننده کودک آزاری است، نفس این حکم می تواند به عنوان مرجعی برای گریز از پیگردهای قانونی یا اعمال تخفیف در جرایم کودک آزاری مورد استفاده قرار گیرد.

به همین ترتیب احکام خمینی در رابطه با موضوع لواط که با بسیاری از پرونده های تجاوز به کودکان مرتبط است، برای دستگاه قضایی مشکل ساز خواهد شد. خمینی در تحریر الوسیله می نویسد:

«اگر کسی مذکری را وطی کند و در او دخول کند قتل او و قتل مفعول ثابت می شود، البته این در صورتی است که هر دو بالغ و عاقل و مختار باشند... و اگر فاعل بالغ و عاقل باشد و مفعول نابالغ در صورت تحقق دخول فاعل کشته می شود و مفعول تادیب می گردد، و اگر کودک با کودک چنین کند هر دو تادیب می شوند...، و اگر با بالغی چنین کند بالغ اعدام و کودک تادیب می شود» (۸)

در این حکم، خمینی به وضوح کودک را مقصر و مستحق مجازات می داند. به عبارت دیگر برای کودک از یک سو حق تمییز و مسئولیت در قبال عمل قائل شده است که مشخص نیست اگر کودک صاحب تمییز و مسئولیت است چرا حکم او متفاوت با حکم بالغ است (وقتی که اهمیت حقوقی فرد بالغ برای دادگاه تنها در قوه تمییز و فهم مسئولیت است). و اگر صاحب تمییز نیست، چگونه صاحب مسئولیت و مستوجب مجازات است. جنبه دیگر این حکم آن است که کودک چه صاحب تمییز باشد چه نباشد، و در نتیجه چه صاحب اختیار باشد و چه نباشد، صاحب مسئولیت و مستوجب مجازات است. این ترسناک ترین وجه این حکم است. چرا که به موجب آن قربانی تجاوز نیز مستوجب تنبیه خواهد بود.

بخش عمده ای از هراس خانواده ها از گزارش موارد کودک آزاری یا تجاوز به کودکان را باید در چنین احکامی جستجو کرد. از سوی دیگر، وجود چنین حکمی شرایط را برای رسیدگی قضایی به احکام تجاوز دچار مشکل خواهد کرد. علاوه بر این دخول محوری در نظام فقهی اسلامی (که در این حکم به وضوح مشهود است)، خود منجر به تغییر فاحش در سطح مجازات در اشکال مختلف تجاوز می شود.

وجود این احکام از یک سو و تعهدات بین المللی و هزینه های سنگین عمل به این احکام در عرصه جهانی از سوی دیگر، شرایطی مضحک را برای نظام قضایی و قانونگذاری ایران و در سطح کلان تر برای ایده حکومت اسلامی پدید آورده است. در حیطه سخن و آموزش جنسی، یعنی آن جایی که اسلام به نسبت با دست باز تر و با صراحت بیش تری با مسئله سکس مواجه می شود، حکومت ایران سختگیرانه و حتی با قساوت هر سخنی از سکس را سرکوب می کند، و در جایی که اسلام سختگیرانه و قاطعانه احکامی غیرانسانی و سبعمانه صادر می کند، حکومت چاره ای ندارد جز آن که برای حفظ ظاهر در اجرای این احکام تخفیف و تغییر قائل شود یا تعلل کند. در نتیجه این دو شقه گی، جمهوری اسلامی هر دو سوی منازعه را از دست داده است. در چشم جهانیان توحشی دینی با پوسته ای از حکومت داری مدرن است، و در چشم اسلام گرایان سنتی یک دولت شبه غربی و بدعت گذار در دین.

اما ریشه سیاست سکس جمهوری اسلامی را در جای دیگری هم باید جستجو کرد. نخستین نتیجه محرومیت جنسی، احساس ضعف و تسلیم است. بی دلیل نیست که در زندان ها، مدارس، سربازخانه ها، محیط های کار و در هر آن جا که سرسپردگی و تمکین پیش نیاز اداره امور شده است، سکس سرکوب می شود. سیاست سرکوب سکس در ایران، به همان اندازه یا بیش از آن که صرفاً برآیند مذهب تسلیم و سرسپردگی باشد، جزو ابزارهای حیاتی کنترل جامعه ای است که حاکمانش نیاز دارند تمام اختیاراتش را از او بگیرند تا بتوانند تمام دارایی اش را تصاحب کنند. درست به همین خاطر است که مسئله سکس در ایران پس از ۷۵، از همان ابتدا مسئله ای امنیتی و سیاسی بوده است.

در آن سوی وضعیت، جامعه ای که در آن امر جنسی به تمامی زیرزمینی و خودآموز شده است، در فوران جنون آمیز میل، هم چون سودوم و گومورا در قلب جهان اسلام می زید. همان گونه که هیچ زمانی در آمریکا به اندازه دوران "ممنوعیت" (۹) الکل مصرف نشد، شاید در هیچ کشور جهان به اندازه ایران، سکس این گونه لگام گسیخته، غیرطبیعی و افراطی در جریان نیست. در حالی که موجودیت میل و سکس در شهروندان عادی جامعه آشکارا در عرصه عمومی انکار می شود، وضعیت شهروندان ویژه مانند معلولین، سالمندان، مبتلایان به کم وزنی و بیش وزنی، مبتلایان به دفورماسیون چهره یا اندام که به طور عادی هم در یافتن شریک سکس دچار مشکل هستند، دیگر هیچ محلی از اعراب ندارد.

فقر و فقدان و ریاضت جنسی در فضای عمومی، حتی همان اقتصاد سکس رایج در سده های گذشته را هم دچار بحران کرده است. بازار سیاه سکس در ایران، مانند هر بازار سیاه دیگری سرشار از خشونت و جنایت و قساوت است و هر از گاهی یکی از هزاران ماجرایش از پرده بیرون می افتد و جامعه را در بهت و ماتم فرو می برد.

پانوش ها:

3. مجلسی، محمدباقر، حلیه المتقین، فصل سوم: در باب آداب زفاف
4. Zizek, Slavoj, From desire to drive: Why Lacan is not Lacanian
5. Lacan, Jacques. Écrits: A Selection. Trans. Alan Sheridan. London: Tavistock Publications, 1977. p. 275
6. قرار دادن آلت در میان پاها و التذاذ بدون دخل
7. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، جلد چهارم، کتاب نکاح، مسئله ۲۱
8. همان، گفتار در لواحق، فصل دوم در لواط و سحق و قیاده
9. دوران ممنوعیت الکل در آمریکا در سال های ۲۹۱۰ تا ۳۳۹۱/ در این دوران، مصرف الکل حدود شصت تا هفتاد درصد از زمان پیش از ممنوعیت و پس از آن بیش تر بود.

[خط صلح منبع:](#)

!کرد تا شوهر خوبی باشم مرا مجبور به سکس می

ترجمه خانه امن

پدری مجرد بودم با چند فرزند که دوباره ازدواج کردم. چه حماقتی. باید به نشانه‌های هشدار توجه می‌کردم.

هر وقت مشکلی پیش می‌آمد او مرا مقصر می‌دانست. یک سال بعد از ازدوایمان، زندگی‌ام تبدیل به کابوس شد.

زنم از هر فرصتی برای تحقیر من استفاده می‌کرد.

در درگیری‌ها همیشه مرا می‌زد؛ البته نه توی صورتم. فکر می‌کردم شایسته این رفتارم؛ چون او دائما می‌گفت شوهر بدی هستم. برای اینکه شوهر خوبی باشم، مرا وادار به سکس می‌کرد. من نمی‌توانستم از این رابطه خشونت‌آمیز بیرون بروم چون رفتن به معنای ترک فرزندانم بود.

سعی کردم مادرم را در جریان بگذارم اما او هم با شنیدن کوچک‌ترین چیزی می‌گفت: «چه می‌کنی که او مجبور می‌شود با تو اینطور رفتار کند؟» احساس می‌کردم همه به جز بچه‌هایم مرا رها کرده‌اند. بعد از چند سال همسرم گفت که می‌خواهد برود. همه گفتند من مقصر این جدایی هستم. من هرگز به کسی نگفتم واقعا چه بر سرم آمده است.

سال‌ها بعد، سرانجام به مشاوره که بخاطر افسردگی از دست دادن کار پیشش می‌رفتم ماجرا را گفتم. آن زمان هیچ دوست نزدیکی نداشتم.

چگونه با موضوع برخورد کردم

با اینکه احساس بی‌عرضگی می‌کردم، می‌دانستم بچه‌ها به من نیاز دارند. این تنها چیزی بود که باعث می‌شد ادامه بدهم و سرانجام فهمیدم که همه چیز تقصیر من نبوده است. من همیشه درگیر مراقبت‌های روزانه از آنها بودم و همین به زندگی من هدف می‌داد. عشق آنها به من قدرت می‌بخشید اما تردیدم نسبت به اینکه آیا می‌توانم شوهر خوبی باشم هرگز از بین نرفت. از آن وقت با هیچ زنی رابطه نداشتم.

چگونه این وضعیت تغییر کرد

همسرم از من ناامید شد و رفت. فکر می‌کنم او همان دوران با مردهای دیگری رابطه داشت و ارزشی برایم قائل نبود. او تقریبا همه چیز را از خانه برد اما آن موقع این موضوع اصلا برایم مهم نبود. فقط خوشحال بودم که همه چیز تمام شده است؛ بدترین دوران زندگی‌م بود.

چطور قوی‌تر شدم

نمی‌دانم چه می‌شد اگر مجبور نبودم به بچه‌ها فکر کنم. شاید همین حالا هم اینجا نبودم. مشاورم به من کمک کرد تا مفهوم آزار را بفهمم. او کسی بود که لغت «تجاوز» را به کار برد و من تازه فهمیدم آنچه در اتاق خواب ما می‌گذشت چه بود. خیلی جالب بود که من هرگز

اینطور به موضوع نگاه نکرده بودم.

من در خامی به سر می‌بردم و هیچ واژه‌ای برای توصیف سردرگمی و وحشت خود نداشتم.

آنچه باید به دیگران درباره خشونت خانگی بگویم

نمی‌دانم چه بگویم جز اینکه « درکتان می‌کنم ». وقتی در رابطه خشونت‌بار قرار دارید افکار مغشوش زیادی به سراغتان می‌آید؛ ممکن است خودتان را سرزنش کنید و مقصر بدانید. ضمن اینکه در شرایطی که نگرانی‌هایی زیادی مثل بچه، مسائل مالی، هزینه وکلا و غیره دارید گفتن اینکه می‌خواهید از رابطه خشونت‌بار بیرون بیایید درست نیست. برای من تنها چیز مثبتی که وجود داشت عشق من به بچه‌ها و عشق آنها به من بود.

منبع به زبان انگلیسی: dvrcv

است «یوتیوب» وقتی توهین و تمسخر، سهم زنان از حضور در

Photo: aasoo.org

فوناز سیفی

نتیجه‌ی پژوهشی تازه نشان داد که زنانی که درباره‌ی موضوعات فن‌آوری، ریاضیات و مهندسی ویدئو تولید می‌کنند، با حجم بیشتری از نظراتی روبرویند که یا بی‌ربط به ویدئو است یا جنسی و جنسیت‌زده. پژوهش‌های دیگر نیز همه تأییدی است از خشونت گسترده علیه زنان در فضای مجازی.

«چه زن زشتی! آنقدر زشته که می‌خواهم بالا بیارم.»

«فقط به پستان‌هایت زل زده بودم... منظورم اینه که به لب‌هایت زل زده بودم.»

«برگرد برو آشپزخانه و برای من یک ساندویچ درست کن.»

این‌ها بعضی از نظراتی است که در «یوتیوب» زیر ویدئوهای زنان ردیف شده است، زنانی که درباره‌ی موضوعات مرتبط با علم، فن‌آوری، مهندسی و ریاضیات ویدئو تولید می‌کنند و هر کدام در یکی از این حوزه‌ها متخصص‌اند. اینواکا آماراسکارا، پژوهشگر استرالیایی متخصص در علوم ارتباطات با همراهی ویل گرت، استاد دانشگاه ملی استرالیا در مقاله‌ی پژوهشی تازه‌ای که در نشریه‌ی «Public Understanding of Science» منتشر کردند، مجموع بیست و سه هزار نظر در بخش نظرخواهی ویدئوهای یوتیوب زنان را بررسی کردند. تمامی این زنان برنامه‌های علمی، فن‌آوری و مهندسی و ریاضیات می‌سازند و همگی در یکی از این حوزه‌ها متخصص‌اند.

پژوهش آن‌ها به تلخی نشان می‌دهد که فضای «یوتیوب» برای زنانی که برنامه‌ی علمی درست می‌کنند، فضایی است جنسیت‌زده، آلوده به توهین و تمسخر و این‌جا هم باید «پوست کلفت» داشت و خیلی چیزها را تحمل کرد تا بتوان دو کلمه حرف حساب زد و آموزش داد. این دو پژوهشگر نظرها را در ۶ گروه دسته‌بندی کردند: مثبت، منفی (یا انتقادی)، جنسی، جنسیت‌زده، درباره‌ی ظاهر، خنثی یا بحث

مرتبط با موضوع ویدئو.

اینوآکا آماراسکارا به **نیویورک تایمز** گفت که هرچه در این تحقیق پیش می‌رفتند ناامیدتر می‌شد. نظرات سرشار از توهین و ادبیات جنسیت‌زده و چیزهایی کاملاً بی‌ربط به ویدئوی زنان فراوان بود. این دو پژوهشگر در بررسی خود دریافتند که ۴۱ درصد نظرات زیر ویدئوهای زنان سازنده‌ی برنامه‌های علمی و فن‌آوری، انتقادی است. این درحالی است که مردانی که ویدئوهای مشابه می‌سازند، تنها با ۶ درصد نظرات انتقادی مواجه می‌شوند. این تحقیق همچنین نشان داد که زنان، با حجم نظرات بیشتری درباره‌ی ریخت و قیافه‌ی خود مواجه‌اند. دست‌کم ۵.۴ درصد نظرات زیر ویدئوهای آن‌ها صرفاً درباره‌ی قیافه و اندام و لباس آن‌هاست، درحالی که این رقم برای مردان تنها ۴.۱ درصد است. سه درصد نظرات ویدئوهای زنان کاملاً یا مصداق جنسیت‌زدگی است یا جنسی است. این رقم برای مردان تنها یک چهارم درصد است.

آماراسکارا و گرت در همان ابتدای پژوهش متوجه نکته دیگری هم شدند: تعداد کانال‌های علمی، مهندسی و فن‌آوری زنان در «یوتیوب» بسیار کمتر از مردان است. هرچند که آماراسکارا به **نیویورک تایمز** گفت که بعد از این تحقیق، چندان تعجب نمی‌کند که چرا شمار اندکی از زنان متخصص کانالی در یوتیوب راه می‌اندازند. فضا چنان جنسیت‌زده و بی‌رحم است که قابل درک است که بسیاری از زنان، عطای امکانات و فرصت‌های این فضا را به لقایش ببخشند و ترجیح دهند هر روز در معرض چنین حملات و تحقیر و تمسخری نباشند.

وضعیت در ویدئوهای «تداک» نیز همین است

بعضی از یافته‌های این تحقیق، با نتایج تحقیق مشابه‌ای که در سال ۲۰۱۲ درباره‌ی ویدئوهای «تداک» انجام شد، مطابقت دارد. در آن‌جا نیز معلوم شد که بیش از ۵۱ درصد نظرات زیر سخنرانی‌های «تداک» «زنان، هیچ ارتباطی با موضوع بحث ندارد و صرفاً درباره‌ی ظاهر و اندام زن سخنران است. تحقیق پیشین نشان داد که ویدئوهای «تداک» «زنان بیشتر برجسب» احساسی «می‌خورد و در مجموع تعداد بیشتری نظر - چه مثبت و چه منفی - زیر ویدئوهای زنان ثبت می‌شود.

نتیجه‌ی بررسی **مؤسسه‌ی معتبر پیو** (Pew) درباره‌ی آزار مجازی علیه زنان آمریکا در سال ۲۰۱۲ نیز به این نتیجه رسید که کاربران زن، بسیار بیشتر از کاربران مرد در معرض «آزارهای جنسی یا جنسیت‌زده‌ی آنلاین» قرار می‌گیرند. بنا به این بررسی ۱۲ درصد زنان ۸۱ تا ۹۲ سال در آمریکا با رفتاری که مصداق آزار جنسی در فضای آنلاین است، روبرو بودند. این رقم برای مردان در گروه سنی مشابه تنها ۹ درصد است. همچنین ۳۵ درصد زنان در این نظرسنجی اعلام کردند که دست‌کم یک‌بار فردی عکسی با محتوای جنسی را ناگهان برای آن‌ها ارسال کرده است.

عفو بین‌الملل: آزار آنلاین، امنیت زنان در واقعیت را نیز مختل کرده است

آزار و اذیت علیه زنان در فضای مجازی پدیده‌ای چنان گسترده است که سازمان‌های مدافع حقوق بشر را نیز نگران و درگیر کرده است. «عفو بین‌الملل» در **گزارش مفصلی** که در نوامبر ۲۰۱۲ منتشر کرد، نتیجه گرفت که آزار و اذیت آنلاین علیه زنان، شمار چشمگیری از زنان را با فشار عصبی، اضطراب، احساس ناامنی در فضای مجازی و از دست دادن اعتمادبه‌نفس مواجه کرده است.

«عفو بین‌الملل» برای تهیه‌ی این گزارش، از مؤسسه‌ی نظرسنجی «IPSOS» خواست تا با زنان ۸۱ تا ۵۵ ساله در کشورهای آمریکا، بریتانیا، دانمارک، ایتالیا، نیوزیلند، لهستان، سوئد و اسپانیا درباره‌ی تجربه‌شان از فعالیت در فضای مجازی گفت‌وگو کند. بیست و سه درصد زنان در این کشورها گفتند که تجربه‌ی آزار و اذیت در فضای مجازی دارند؛ در این میان، زنان آمریکا ۳۳ درصد بیشتر از زنان کشورهای دیگر با این تجربه‌های ناخوشایند روبرو بودند.

چهل و یک درصد زنان در این نظرسنجی اعلام کردند که دست‌کم یک‌بار این آزارها باعث شده که احساس کنند امنیت آن‌ها در جهان واقعیت با تهدید و خطر روبرو است. از مینه‌سوتا، پنه‌سیل، سوئد و اسپانیا درباره‌ی تجربه‌شان از فعالیت در فضای مجازی گفت‌وگو کند. بیست و سه درصد زنان در این کشورها گفتند که تجربه‌ی آزار و اذیت در فضای مجازی دارند؛ در این میان، زنان آمریکا ۳۳ درصد بیشتر از زنان کشورهای دیگر با این تجربه‌های ناخوشایند روبرو بودند.

چهل و یک درصد زنان در این نظرسنجی اعلام کردند که دست‌کم یک‌بار این آزارها باعث شده که احساس کنند امنیت آن‌ها در جهان واقعیت با تهدید و خطر روبرو است. از مینه‌سوتا، پنه‌سیل، سوئد و اسپانیا درباره‌ی تجربه‌شان از فعالیت در فضای مجازی گفت‌وگو کند. بیست و سه درصد زنان در این کشورها گفتند که تجربه‌ی آزار و اذیت در فضای مجازی دارند؛ در این میان، زنان آمریکا ۳۳ درصد بیشتر از زنان کشورهای دیگر با این تجربه‌های ناخوشایند روبرو بودند.

در این تحقیق ۳۶ درصد زنان اعلام کردند که در نتیجه‌ی آزار و اذیت و تمسخرها در فضای مجازی خواب آن‌ها مختل شده است، ۵۵ درصد با حمله‌ی عصبی یا اضطراب روبرو شدند، ۶۵ درصد اعلام کردند که تمرکز آن‌ها برای امور روزمره بهم ریخته است، ۱۶ درصد ابراز کردند که اعتمادبه‌نفس آن‌ها آسیب دیده و باورشان به خود و توانایی‌شان را از دست داده‌اند و ۶۷ درصد اعلام کردند که رویه‌ی استفاده‌ی خود از شبکه‌های اجتماعی را در نتیجه این اذیت‌ها تغییر داده‌اند. در تحقیق «عفو بین‌الملل» ۶۴ درصد زنان اعلام کردند که آزار و اذیتی که تجربه کردند بیش از هر چیز جنسی یا جنسیت‌زده بود.

در نتیجه‌ی چنان فضای مسمومی است که در مقایسه با مردان، زنان بیشتری حساب کاربری خود را از وضعیت عمومی به خصوصی تغییر می‌دهند، در بحث‌های توئیتری کمتر مشارکت می‌کنند، عکسی از طبیعت و حیوان و نقاشی را به جای عکسی از خود در حساب کاربری می‌گذارند و آرام آرام انگار میدان را خالی می‌کنند.

زن جوان ۶۲ ساله‌ای که خواست نامش ذکر نشود، به مؤسسه‌ی نظرسنجی پیو (Pew) گفته بود: «هر زنی که در فضای آنلاین نظری و عقیده‌ای دارد، محکوم است تا با مردانی روبرو شود که پشت اسم مستعار قایم شده و حس می‌کنند باید زنان را آزار بدهند و آسیب برسانند. آزارگران آنلاین با نام مستعار، خستگی‌ناپذیرند. کوچک‌ترین نقطه‌ی ضعف، اشتباه یا عیبی را پیدا می‌کنند و آن را مثل چکش مدام و مدام بر سرت می‌کوبند.»

منبع: [آسو](#)

ناگفته‌های سه مرد که در نوجوانی مور آزار جنسی قرار گرفته‌اند

Photo: Lightspring/www.shutterstock.com

از آدم‌هایی برای‌تان خواهم گفت که راز سر به مهری را پس از سال‌ها سکوت بازگو می‌کنند. از کابوس‌های شبانه، از نگاه‌های زجرآور و از احساس تنفرشان. آن‌ها قربانیان تجاوز هستند. مردانی که حتی با وجود تشکیل خانواده و فرزنددار شدن به گفته خودشان نمی‌توانند لکه سیاه

آن حادثه را از ذهن‌شان پاک کنند.

چندی پیش خبر تعرض به چند نوجوان در مدرسه‌ای در غرب تهران همچون موج سهمگینی در جامعه افکار و آرزوهای بسیاری از پدران و مادران دانش‌آموز را غرق کرد. خبر تلخ و غیرقابل باور بود؛ چطور می‌شود ناظم مدرسه سناریوی شیطانی خود را این‌گونه به اجرا بگذارد؟!

تنها ساعتی بعد از انتشار این خبر تکان‌دهنده و روح‌آزار، شبکه‌های اجتماعی پر شد از سیل اظهار نظرات و پیام‌های کاربران درباره آزار و اذیت و تعرض به دانش‌آموزان پسر در مقاطع راهنمایی و دبیرستان. در این بین تعدادی از کاربران نیز از تجربیات تلخ خود در سال‌های دورشان گفتند و اینکه با گذشت سال‌های سال هنوز نمی‌توانند آن صحنه‌های دردناک و تلخ را فراموش کنند.

اما در این بین چند تن از کاربران شبکه‌های اجتماعی در پیام‌های محرمانه با من، حاضر شدند از تعرضی که در دوران نوجوانی به آن‌ها شده سخن بگویند. دو نفرشان قبول کردند در ملاقاتی حضوری گپی با هم بزنیم و نفر سوم به بهانه‌ای قابل قبول از ملاقات حضوری صرف نظر کرد.

در این گزارش برای حفظ حقوق شهروندی و پنهان ماندن هویت مصاحبه‌شوندگان از ذکر اسامی واقعی آنان خودداری کرده‌ایم.

اتفاقی که از ذهنم پاک نمی‌شود

«سعید» را در یکی از محله‌های جنوبی تهران که در محاصره ریل‌های آهن مانده، ملاقات می‌کنم. جوانی 34 ساله با قد و هیكلی درشت که نشان می‌دهد سال‌هاست ورزش می‌کند. پیش از اینکه شروع کنیم به گپ زدن، از من می‌خواهد تا ترک موتورس بنشینم تا جایی را نشانم دهد. او مرا مقابل مدرسه پسرانه‌ای می‌برد که با دیدنش چهره‌اش بر افروخته می‌شود. بعد از چند لحظه‌ای سکوتش را می‌شکند و می‌گوید: «آقا این خراب شده رو می‌بینی؟ این مدرسه زندگی من را سیاه کرد. از سال اول دبیرستان ترک تحصیل کردم؛ دلیلش هم ناظم مدرسه بود. وقتی خبر این چند دانش‌آموز را شنیدم، یاد خودم افتادم. در خانه نشسته بودم و وقتی خبر را خواندم، ناخودآگاه گریه‌ام گرفت. زخم پرسید چرا گریه می‌کنی؛ رویش را نداشتم بگویم همین اتفاق 19 - 20 سال پیش سر خودم هم آمده است. من به هیچ کس نگفتم که این ناظم نامرد مدرسه چه کاری با من کرد. به نظر شما می‌شود چنین چیزی را به کسی گفت؟ فکر می‌کنید کسی آدم را درک می‌کند؟ اگر کسی بفهمد چنین بلایی سر کسی آمده، شاید ظاهراً به آن شخص دل‌داری بدهد ولی پشتش به او هزار انگ می‌چسباند که فلانی فلان

از او می پرسیم پس چه شد که تصمیم گرفتی این راز را برای من بگویی که می گوید:

«راستش پیش خودم گفتم شما خبرنگار هستید و در روزنامه‌تان چنین اتفاقاتی را می‌نویسید تا پدرها و مادرها حواس‌شان به بچه‌های‌شان باشد و از طرفی هم آموزش و پرورش برای اینکه خدای نکرده چنین اتفاقاتی تکرار نشود به مدارس بازرسی بفرستد.

از او خواستم که اگر برایش مقدور است، چگونگی ماجرا را شرح دهد که گفت:

«سال اول دبیرستان ناظمی داشتیم به نام آقای ... که قد بلندی داشت با عینک تقریباً ته‌استکانی. بچه‌ها از او می‌ترسیدند. دستش سنگین بود. وقتی می‌زد، یکی از او می‌خوردیم، یکی هم از دیوار. یک روز که سرکلاس شلوغ کرده بودم، معلم از کلاس بیرونم انداخت. از شانس بد ناظم من را توی راهرو دید و صدایم کرد و پرسید که چرا از کلاس اخراج شده‌ام. من هم از ترس، دروغ گفتم. وقتی ماجرا را از معلم پرسید، دستم را گرفت و برد دفتر و می‌خواست به پدرم زنگ بزند که به مدرسه بیاید و تهدید می‌کرد که می‌خواهد اخراجم کند. پدر من هم کارگری می‌کرد و سن و سالش هم زیاد بود. اگر مدرسه می‌آمد، دستم را می‌گرفت و نمی‌گذاشت دیگر به مدرسه بروم. به گریه افتادم و خواستم که به خونهمان زنگ نزنند. به من گفت که شرطی دارد؛ من را به زیر زمین برد و...»

سعید وقتی به این جای داستان می‌رسد، چشمانش قرمز می‌شوند و صورتش از اشک خیس. انگار آن صحنه‌های زجرآور برای هزارمین بار مقابل چشمانش به نمایش در می‌آیند. او بعد از اینکه کمی آرام‌تر می‌شود، ادامه حرف‌هایش را می‌گیرد و می‌گوید: «مثل اینکه چند نفر از بچه‌ها دیده بودند ناظم مرا به زیرزمین می‌برد و روز بعد در کل مدرسه پیچیده بود که آقای...، سعید را برده زیرزمین و ... آبرویم را بردند و من دیگر حاضر نشدم به مدرسه برگردم و برای همیشه ترک تحصیل کردم.»

از او می پرسیم چرا این ماجرا را به پدر و مادر یا یکی از بزرگ‌تره‌ها نگفتی؛ در پاسخ می گوید:

«می‌رفتم به پدرم چی می‌گفتم؟ می‌گفتم توی مدرسه این بلا سرم آمده؟ آگه پدرم می‌فهمید که من را از خانه بیرون می‌کرد. توی طایفه ما اگر پسری چنین بلایی سرش بیاید، آبروی خانواده‌اش می‌رود. من از ترس بی‌آبرو شدن پدرم یا اینکه به چشم بدی به من نگاه کند، چیزی نگفتم. این راز را حتی نزدیک‌ترین آدم‌های زندگی‌ام هم نمی‌دانند.

از او می پرسیم بعد از این اتفاق و ترک تحصیل به چه کاری مشغول شده و چه دغدغه‌های داشته است؛ می گوید: «چند سالی توی خیاطی کار می‌کردم. خیلی افسرده بودم و اگر کسی به من نزدیک می‌شد، بدنم از ترس خیس عرق می‌شد. برای مثال اگر کسی با من روبوسی می‌کرد، می‌ترسیدم که قصد و نیت پلیدی توی ذهنش داشته باشد. نزدیک 15 سال زندگی من همین‌طور گذشت تا اینکه ازدواج کردم ولی در این مدت وقتی یکی از هم‌کلاسی‌های دوران دبیرستانم را می‌دیدم، پیش خودم می‌گفتم این شخص درباره من چه فکری می‌کند؟ نکند به نظرش من آدم هرزه‌ای هستم و به میل خودم رفته باشم زیرزمین؟ این افکار سال‌های سال آزارم داده و می‌دهد و حالا هم که پسر دو ساله‌ای دارم، باز هم درگیر این ماجرا هستم و نمی‌توانم فراموشش کنم.»

تا سال‌ها از سایه خودم هم می‌ترسیدم

«محسن» را در مغازه‌اش در مرکز شهر ملاقات می‌کنم. جوان 30 ساله با موهای پرکلاغی و قد و قواره‌ای بلند و لاغر. جوان خوش‌برخورد و البته شوخی است. او هم بعد از شنیدن خبر تعرض به چند دانش‌آموز، تصمیم گرفته تنها راز زندگی‌اش را که بارها خواسته برای کسی بگوید تا به قول خودش سبک شود، برایم بازگو کند.

او برای بازگو کردن اتفاقی که 15 سال پیش برایش رخ داده، شك دارد؛ خجالت می‌کشد به چشمانم نگاه کند و حرفش را بزند. به او می‌گویم که نمی‌دانم دقیقاً چه اتفاقی برایش افتاده ولی می‌دانم که درک کردن چنین حادثه تلخی چقدر می‌تواند آزاردهنده باشد.

بالاخره تصمیمش را می‌گیرد و شروع می‌کند به مقدمه‌چینی برای گفتن واقعیتی که سال‌هاست او را آزار می‌دهد؛ می‌گوید: «سال دوم دبیرستان عاشق خواهر یکی از هم‌کلاسی‌هایم شده بودم. برای هم‌نام می‌نوشتیم، گاهی هم زنگ می‌زدیم و صحبت می‌کردیم. چند ماهی از دوستی ما نگذشته بود که دوستم کیوان از من خواست همراه با دو نفر دیگر از هم‌کلاسی‌هایم به خانه‌شان برویم برای رفع اشکال درس ریاضی. ریاضی من هم خوب بود و قبول کردم. پیش خودم گفتم کیوان روزی برادر زلم می‌شود و بهتر است رابطه‌ام از قبل با او خوب باشد.

سرظهر رفتیم خانه کیوان. هنوز چند دقیقه‌ای نگذشته بود که به من گفت خجالت نمی‌کشی برای خواهرم نامه می‌نویسی و به او زنگ می‌زنی؟ زیربار نرفتم و گفتم داری اشتباه می‌کنی ولی وقتی چند تا از نامه‌ها رو آورد و نشانم داد، با دو هم‌کلاسی دیگر که گویا از قبل باهم هماهنگ کرده بودند، به سمت من حمله کردند و ... کیوان تصور می‌کرد رابطه من با خواهرش رابطه جدی بوده به همین دلیل به من تعرض کرد. به قول خودش می‌خواست با این کار به من نشان بدهد که اگر کسی به ناموس دیگری دست درازی کند، مجازاتش این

است ولی من حتی خواهرش را از نزدیک هم ندیده بودم.»

محسن سرش را می اندازد پایین و عرق پیشانی اش را با دستمال می گیرد. سیگاری روشن می کند و پک های محکمی می زند. بعد از چند دقیقه سکوت ادامه حرفش را می گیرد: «می خواستم ماجرا را به مادرم بگویم ولی خجالت کشیدم؛ از طرفی هم می ترسیدم که اگر پدر یا مادرم از کیوان شکایت کنند او هم آبرویم را توی مدرسه و محل ببرد. البته بماند که یک ماه بعد او و دو همکلاسی دیگر که شاهد تعرض کیوان به من بودند توی مدرسه آبرویم را بردند ولی من برای دفاع از خودم خیلی تلاش کردم و به دروغ می گفتم که کیوان چنین کاری با من نکرده است. سال بعد مدرسه ام را عوض کردم ولی همچنان بعضی از بچه ها به من متلک می انداختند و مسخره ام می کردند. نگاه های بچه ها آزارم می داد و پیش خودم فکر می کردم که همه آدم هایی که من را می شناسند می دانند چه بلایی سرم آمده و از من خوش شان نمی آید.

وقتی خدمت رفتم، شب ها توی آسایشگاه بیدار می ماندم تا بقیه بخوابند و بعد می خوابیدم. همیشه ترس از این داشتم که دوباره چند نفر خفتم کنند و به من تعرض کنند. این توهم سال های سال همراهم بوده و هست. وقتی ازدواج کردم، از محله مان کوچ کردم به این منطقه. دیگر دوست ندارم به آن منطقه بروم. خیلی سعی کردم هر طور شده این اتفاق را فراموش کنم ولی نشد که نشد. نمی شود این ماجرا را برای کسی تعریف کرد که کمی سبک بشوی. هنوز هم نمی دانم اگر ماجرا را به پدر یا مادرم می گفتم، چه اتفاقی می افتاد. آیا آن ها دلداری ام می دادند و من را پیش روان شناس می بردند یا طردم می کردند و به چشم حقارت به من نگاه می کردند؟»

پنهان کردن اتفاقی که زندگی ام را تباہ کرد

از پشت تلفن صدای گرمی دارد. خودش را «سیامک» و 27 ساله معرفی می کند. او هم سرگذشت تلخی دارد. دوران نوجوانی چندین بار مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته است. چند ماهی افسردگی گرفته و حاضر نمی شده به مدرسه برود. سیامک دلیل عدم حضور برای ملاقات را خجالت و پنهان ماندن هویتش بیان می کند. می گوید که شرم دارد به چشم کسی نگاه و خاطرات تلخ گذشته اش را با او مرور کند.

سیامک پیش از اینکه همراه با خانواده اش به منطقه پونک نقل مکان کنند، در منطقه فلاح تهران سکونت داشته است. پدرش راننده تریلر بوده و مادرش هم خانه دار. یک برادر و یک خواهر کوچک تر از خودش هم دارد.

او از گذشته اش برایم می گوید: «پدرم نیمی از سال را خانه نبود. بنده خدا با تریلی توی جاده ها از این شهر به آن شهر بار می برد. راستش مادرم هم از پس من و برادر و خواهر کوچک ترم بر نمی آمد. 14 - 15 سالم بود و تازه به سن بلوغ رسیده بودم. توی مدرسه یک سری از بچه ها عکس های مبتذل می آوردند و به من نشان می دادند. خب این عکس ها برای بچه هایی توی سن و سال ما تهیج کننده بود. بچه ها توی این سن دنبال کنجکاوی و تجربه هستند. یکی از همکلاسی ها گفت توی خونشون فیلم صحنه دار دارند. به خانه شان رفتم و فیلم را دیدیم. برای اولین باری بود که چنین تصاویری می دیدم. سرم داغ شده بود و نمی توانستم خودم را کنترل کنم. دوستم پیشنهاد داد کارهای آدم هایی فیلم را تقلید کنیم.

او به من تعرض کرد و از فردایش تهدید می کرد که اگر به خانه شان نروم، آبرویم را توی محل و مدرسه می برد. او از من آتو داشت و مجبور بودم به خواسته کثیفش تن بدهم. سه مرتبه مجبور شدم به خواسته اش تن بدهم. او هیکلش از من درشت تر بود و زورش هم بیشتر. نمی توانستم باهاش مقابله کنم. هنوز هم نمی توانم آن صحنه ها را فراموش کنم.

یک روز که برای بار چهارم از من خواست خانه اش بروم با خودم چاقو بردم. به او گفتم نمی خواهم به این روند ادامه بدهم. باهم دعوا کردیم و من ضربه ای به بازویش زدم و از آن روز دیگر به مدرسه نرفتم. او هم جرات نکرد به خانه مان بیاید یا از من شکایت کند. وقتی پدرم از سفر برگشت و پرسید چرا نمی خواهم به مدرسه بروم به دروغ گفتم دوست ندارم درس بخوانم در حالی که دوست داشتم درس را ادامه بدهم و مهندس شوم نه اینکه با پارتی بازی کارمند بخش اداری فلان اداره شوم.

وقتی با وجدانم خلوت می کنم، می گویم چرا همان بار اولی که به من تعرض شد به مادرم چیزی نگفتم. اگر می گفتم بدون شک بار دوم و سومی در کار نبود و مجبور نمی شدم ترک تحصیل کنم. باید این را هم بگویم که وقتی خبر تعرض و آزار و اذیت بچه ای را می شنوم، یاد خودم و حالی که آن روزها داشتم، می افتم. این اتفاقات هیچ وقت از ذهن کسی که بارها مورد آزار و اذیت قرار گرفته، پاک نمی شود و تا آخر زندگی با آدم هست.»

گفت و گو با این سه جوانی که هر یک به گونه ای تحت آزار و اذیت قرار گرفته اند، برایم سخت و غم انگیز بود. درک اینکه سال ها با زخمی قدیمی سر کنی و نتوانی مرهمی روی آن بگذاری، آنچنان سخت است که ناخودآگاه قلب آدم می گیرد؛ نوجوانانی که به دلیل یک اشتباه، یک غفلت یا ترس از بازگو کردن حقیقت برای خانواده شان مسیر زندگی شان برای همیشه تغییر کرد. آدم هایی که ناخواسته فرصت موفقیت های پیش روی شان را از دست دادند.

در مذمت پنهانکاری

خشونت علیه کودکان و نوجوانان به هیچ وجه خاص جوامع جهان سوم نیست. در کشورهای پیشرفته نیز کودکان و نوجوانان از پیامدهای خشونت رنج می‌برند و آزارهای جسمی، جنسی و روانی تعادل عاطفی و روانی آن‌ها را به خطر می‌اندازد. علاوه بر این در همه جا خشونت‌هایی که علیه کودکان و نوجوانان به خصوص در عرصه‌های عمومی به وقوع می‌پیوندد، هول و وحشت، اضطراب و دلهره و احساس عمیقی از ناامنی اجتماعی ایجاد می‌کند؛ پس این مساله در همه جوامع کم و بیش مشابه است و جست‌وجوی راهکارهای دقیق و ظریف برای شناختن ریشه‌های این خشونت‌ها و بحث و بررسی آن از زوایای گوناگون تفاوت‌ها را نشان می‌دهد.

در این نوشته کوتاه برآنم سه رویکرد مهم را در رابطه با خشونت جنسی در مدارس با توجه به واقعه اخیر خشونت علیه نوجوانان منطقه دو تهران پی بگیرم؛

خشونت جنسی خشونتی مردانه است و از طرف بزرگسالانی صورت می‌گیرد که دارای قدرت بدنی، قدرت اقتصادی و قدرت اجتماعی هستند و کودکان و نوجوانان به‌عنوان افرادی بی‌قدرت به این بزرگسالان وابسته‌اند و توانایی پایان بخشیدن به خشونت را ندارند. رفتارهای جنسی جزو خصوصی‌ترین رفتارها قلمداد می‌شوند و تابوهای فراوانی آن را فرا گرفته است. بررسی و شناخت این نوع خشونت‌ها (که خود نیز انواعی دارد) در مقایسه با خشونت جسمی بسیار مشکل‌تر است زیرا آثار قابل رویتی ندارد و خصوصی قلمداد شدن آن و تابو بودن (به ویژه در سیستم آموزشی) افشای آن را دشوار می‌کند و با توجه به این ویژگی‌ها، آزارگران با ایجاد حس شدیدی از گناه و ناامنی روانی در کودکان و نوجوانان، آن‌ها را طعمه خود می‌کنند.

راهکارهایی که به نام تربیت در مدارس صورت می‌گیرد، اغلب با بهره‌گیری از انواع ممنوعیت‌ها، اجابرها و الزام‌های فراگیر، به‌طور ثابت و بی‌وقفه رفتارها و حرکات دانش‌آموزان را کنترل می‌کند و انقیاد و اطاعت‌پذیری را به صورت امری بیرونی و درونی تضمین می‌کند. نتیجه چنین فرآیند بدنی «مطیع و فرمانبردار» است که می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری به جای بگذارد. به طوری که دانش‌آموز توانایی «نه گفتن» و «مقاومت کردن» را از دست می‌دهد و در مقابل تهدیدها، تطمیع‌ها و ... وادار به سکوت می‌شود.

با وجود پیشرفت‌های آموزشی در جامعه ما هنوز همه آموزش‌ها در زمینه آگاه‌سازی درباره مسائل جنسی وجود ندارد و مجرمان با «هنجاری کردن» این رازهای مگو، رفتاری را «درست» و «بهنجار» جلوه می‌دهند که در جامعه «غلط»، «غیراخلاقی» و «آسیب‌زننده» است و نوجوانان را وادار به سازگاری با این الگوها می‌کند.

ضروری قلمداد نشدن تصویب قوانین مربوط به حقوق کودکان و نوجوانان، زمینه‌های آسیب این قشر را در جامعه فراهم می‌آورد. اگرچه ماده 2 قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب 1381 در ایران، هرگونه تربیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب صدمه جسمی، روحی یا اخلاقی به آنان شود و سلامت جسم و روان‌شان را به مخاطره اندازد، ممنوع کرده است اما برای پایان دادن به خشونت علیه کودکان و نوجوانان، باید امکان حمایت‌های قانونی و دادخواهی‌های موثرتر، روشنگری کودکان و نوجوانان و خانواده‌ها و روش‌های پیشگیری از جرم از سوی قانونگذاران مورد توجه قرار گیرد و به تصویب رسد. همچنین باید با تغییر هنجارها در جهت کودک محوری و ایجاد نهادهای مدنی حمایت از کودکان به مقابله با انواع خشونت برخاست.

به یاد داشته باشیم که به جز کسب آگاهی برای کاهش این رخدادهای تلخ، تامین امنیت روانی این نوجوانان آسیب دیده و خانواده‌هایشان بسیار مهم است و این افراد نیازمند حمایت‌های اجتماعی از سوی مردم و حمایت‌های قانونی از سوی نهادهای قانونگذار هستند.

منبع: اسکان نیوز

چگونه کودک‌آزاری را تشخیص دهیم؟

photo: AndreyPopov/depositphotos.com

درک رفتارهای کودک‌آزارانه و شناخت علائم آن ممکن است بسادگی میسر نباشد اما هوشیاری و آگاهی می‌تواند به بزرگسالان مسئول کمک کند کودکی که مورد سوء استفاده و آزار قرار دارد را از درد و رنج و مشکلاتی که تمام عمر گریبانگیرش خواهد بود شاید نجات

در ابتدا توجه به اینکه بسیار مهم است که بر اساس کنوانسیون حقوق کودک هر فرد زیر ۸۱ سال کودک (یا نوجوان) محسوب می‌شود. هر یک از موارد زیر را که مشاهده کردید (یا اگر خود انجام دادید) کودک آزاری است یا دستکم احتمال کودک آزاری را مطرح می‌کند. کودک آزاری در کل چهار نوع دارد: عاطفی (روانی)، بدنی، جنسی و غفلت و بی‌توجهی.

آزار جسمی: هر گونه لطمه یا آزار بدنی؛ هر نوع کتک زدن، تکان دادن شدید، سوزاندن، پرتاب کردن و هل دادن، مسموم کردن، خفه کردن و امثال آن.

بعنوان یک قاعده کلی هر نوع آسیب یا لطمه‌ای در بدن که یکی از سه ویژگی زیر را داشته باشد احتمال کودک آزاری را مطرح کند:

- آسیب در بدن کودکی که توانایی حرکت ندارد (هنوز رشد نکرده یا دچار معلولیت است) هر گونه علامت یا نشانه در جایی از بدن که چنین آسیبی غیر معمول است،
- هیچ توضیح یا دلیل پزشکی برای آن وجود ندارد
- رسد (توجه به این موضوع سرپرست درباره چگونگی ایجاد آسیب با ماهیت آن تطبیق ندارد یا منطقی به نظر نمی‌آید/توضیح پدر و مادر برای پزشکان، کارکنان درمانی و معلمان بسیار مهم است.)
- اند، برای‌اند یا اصلا کمک نگرفته‌سرپرست رفتاری مشکوک دارند، با تاخیر از پزشک یا کادر درمانی کمک خواسته/پدر و مادر ترخیص کودک از بیمارستان عجله دارند و اصرار می‌کنند که با بچه خوب رفتار می‌کنند.
- (دختر) مادر یا پدر باشد./پدر و مادر از هم جدا شده باشند و مراقبت از کودک گاهی بعهده همسر (یا دوست پسر کودک اغلب غم‌زده، منزوی، ترسیده یا با بهت‌زدگی ناظر است یا ممکن است چیزی بگوید که حاکی از آزار دیدن باشد)

علائم و نشانه‌های آزار جسمی

توضیح؛ ویژگی‌ها

کیبودی یا اثر هر نوع شیء بر بدن مثلا قلاب کمر بند، کیبودی‌های متعدد، هم‌اندازه و هم‌شکل جای گاز گرفتن انسان (نه متعلق به کودک دیگر)، جای گاز گرفتن حیوانات (می‌تواند حاکی از غفلت و بی‌توجهی باشد)	کیبودی
زخم‌های متعدد، قرینه، هم‌شکل در جاهای غیر معمول، جای طناب بر مچ دست و پا یا گردن وقتی جای سوختگی شبیه یک شیء شناخته شده مثل اتو باشد؛ وقتی به نظر برسد علت، فرو کردن عضو به زور در آب جوش است	انواع زخم سوختگی
شکستگی‌های متعدد در زمان‌های متفاوت، شکستگی‌های نهفته که در عکس رادیولوژی دیده شود بخصوص اگر در کودک زیر سه سال دیده شود، همراه با شکستگی‌های دیگر، خونریزی داخل چشم،	شکستگی آسیب‌های سر و جمجمه
اگر توضیح پزشکی نداشته باشد	آسیب ستون فقرات، اعضای داخلی و دهان

غفلت و بی‌توجهی

توضیح، ویژگی‌ها

نداشتن لباس، کفش و پوشش کافی، تکرار مشکلاتی مثل شپش سر یا گال، عدم رشد کافی متناسب با سن، بوی بد یا کثیف بودن کودک، نخوردن غذای کافی و مناسب، تنها گذاشتن کودک بدون مراقبت و سرپرستی، خانه کثیف و غیر بهداشتی، حمام نبردن و شستشوی ناکافی، تصادف	عدم رسیدگی و مراقبت درمورد نیازهای ضروری کودک (غذا، لباس، جای امن)
واکسن نزدن، ندادن دارو به کودک، عدم مراجعه به پزشک، مسمومیت کودک، گاز گرفتن حیوانات، در آب افتادن و خطر غرق شدن، پوسیدگی دندان،	عدم رسیدگی‌های بهداشتی و درمانی و بی‌توجهی به سلامت کودک
مدرسه نرفتن، غیبت زیاد از مدرسه، نبود فعالیت‌های مختلف در اوقات فراغت که مانع از رشد شناختی (هوش، مهارت‌های اجتماعی، تمرکز) کودک می‌شود	عدم رسیدگی به آموزش و فعالیت‌های فوق برنامه
نداشتن استمرار در گذاشتن قاعده و اعمال آن، نبود برنامه خواب، غذا، درس و غیره	نبود قاعده و قانون در خانه

آزار روانی (عاطفی): این نوع آزار کمتر از انواع دیگر گزارش می‌شود یا شناسایی می‌شود اما بسیاری آن را شایع‌ترین نوع کودک آزاری می‌دانند. این نوع آزار معمولا با سه نوع آزار دیگر همراه است. ابتدا به انواع آزار روانی می‌پردازیم بعد به نشانه‌ها و علائم آن در کودک

آزار روانی (عاطفی)

انواع

توضیح، ویژگی‌ها

پدر و مادر فقط به رفتارهای نامناسب کودک توجه می‌کند و با خشونت و انتقاد به آن پاسخ می‌دهند، توانایی و شخصیت کودک را زیر سوال می‌برند و او را تحقیر می‌کنند آبروی کودک را جلوی دیگران می‌برند، ایجاد احساس بی‌اهمیتی و ناچیز بودن در کودک	پرخاشگری و انتقاد بیش از حد
در آغوش نگرفتن، عدم اظهار محبت کلامی و غیر کلامی، نداشتن رابطه صمیمانه و نزدیک، تبعیض گذاشتن بین خواهر یا برادرها	نبود محبت و عاطفه و طرد کودک
پاداش ندادن به رفتارهای مناسب کودک، نادیده گرفتن کودک، بازی نکردن با کودک، نداشتن همبازی، غیبت زیاد از خانه یا در دسترس نبودن پدر و مادر	محرومیت از توجه
خواسته‌های پدر با مادر با هم تناقض اساسی دارد، پدر یا مادر یک بار به رفتاری پاداش می‌دهند بار دیگر بشدت تنبیه می‌کنند، پدر یا مادر صبح خوش خلق هستند شب پرخاشگر و تندخو و کودک را طرد می‌کنند (مانع اعتماد کودک به والدین می‌شود)	ناهماهنگی و رفتارهای متناقض
تهدید کودک (گاهی بعلت خطای جزئی) به بیرون انداخته شدن از خانه، سر راه گذاشتن، به یتیم‌خانه فرستادن، یا تهدید پدر و مادر که خود خانه را ترک می‌کنند (منجر به رابطه اضطرابی با والدین می‌شود)	تهدید به ترک کودک
کتک خوردن مادر، خشونت خانگی، اعتیاد، انداختن گناهها مثل طلاق به گردن کودک، استفاده از کودک برای رساندن پیام‌های خشن پدر و مادر به یکدیگر، زیر فشار گذاشتن کودک برای طرفداری از یکی از والدین، استفاده از کودک برای آشتی بین پدر و مادر، توقع اینکه کودک کارهایی را بعهده بگیرد که مناسب سنش نیست، مثل روبرو شدن با طلبکار	خواسته‌ها یا استرس‌های نامناسب

کودکی که از نظر روانی آزار می‌بیند رفتارهایی بروز می‌دهد که برای آنها دلیل پزشکی یا دلیل موجهی پیدا نمی‌شود، یا متناسب با سنش نیستند یا نشانه‌های عدم رشد کافی از جنبه‌های مختلف وجود دارد.

علائم و نشانه‌های آزار روانی کودک

رفتار کودک

رفتار پدر و مادر/سرپرست	رفتار کودک
طرد کودک	کابوس‌های مکرر با مضامین مشابه
مقصر دانستن کودک برای هر چیز	اضطراب، رنج و غم شدید
انتظارات و توقع نابجا و نامتناسب با سن کودک (رفتاری، تحصیلی، اجتماعی)	پرهیز از ارتباط با دیگران
تهدید یا تنبیه نامناسب	انزوا و در دنیای خود بودن
استفاده از کودک برای برآوردن نیازهای خود	پرخاشگری
استفاده از کودک برای برآوردن آرزوهای دست‌نیافته خود	رفتارهای نامتناسب با سن
بی‌تفاوتی وقتی که باید به کودک توجه شود	ترسیده و نگران با عزت نفس پایین
قرار دادن کودک در شرایط ترسناک، مثل شاهد خشونت خانگی بودن	تکان دادن بدن به جلو عقب
کمک نکردن به رشد مهارت‌های اجتماعی کودک	رفتارهایی برای جلب توجه یا محبت
نگرانی از صحبت کردن کودک با پزشک یا پرستار بدون حضور والدین/سرپرست	صمیمیت بیش از حد با غریبه‌ها یا با پزشک و پرستار
بدبینی به کودک	بیش از حد چسبیدن به دیگران
خشونت و پرخاش با کودک	رابطه نامناسب با کسی که از او مراقبت می‌کند
	اطاعت افراطی
	واکنش‌های عاطفی نامناسب یا شدید که با سن تناسب ندارند و دلیل پزشکی هم ندارند
	گریه و قشقرق و جنجال در سن مدرسه
	خشم شدید بدون دلیل
	از دست دادن علاقه به چیزها یا کارهایی که کودک قبلاً به آنها علاقه داشته

گریه تسکین‌ناپذیر

کودک بسیار کمتر از گذشته احساسات مختلف نشان می‌دهد و دیگر نمی‌تواند به دیگران ابراز علاقه کند

مشکل تمرکز

واکنش‌های نامعمول به حضور برخی بزرگسالان

ادرار یا مدفوع در رختخواب (در حالی که این مشکل قبلاً نبوده یا اینکه عمداً توافق می‌افتد) تنبیه برای شب‌ادراری حتی اگر پزشکان به پدر و مادر گفته باشند که غیر ارادی اتفاق می‌افتد

مشکلات خوردن (دزدیدن یا پنهان کردن غذا)

عقب بودن رشد جسمی، روانی، عاطفی و کلامی

واکنش نامناسب به معاینه پزشکی

فرار کردن

خودآزاری و آسیب زدن به خود

آزار جنسی: برای دختر بچه‌ها بیشتر از پسر بچه‌ها اتفاق می‌افتد، اما در پسر بچه‌ها هم کم نیست. نکته مهم در رابطه جنسی رضایت هر دو طرف است. در فرد زیر پانزده سال در هر حالتی رابطه جنسی، سوء استفاده جنسی است. رابطه جنسی فرد بالای هجده سال با فرد زیر هجده سال هم آزار جنسی است.

آزار جنسی

علائم و نشانه‌ها

توضیح

بدون وجود دلیل پزشکی

بدون وجود دلیل پزشکی

ترشح، زخم و خونریزی و آسیب در ناحیه تناسلی و مقعد بخصوص وقتی تکرار شود

عفونت ادراری مکرر

پیدا شدن اشیاء مختلف در واژن یا مقعد

باز بودن غیر عادی مقعد در حین معاینه پزشکی

بدون وجود دلیل پزشکی

هیپاتیت بی یا زگیل تناسلی بخصوص در کودکی که هنوز به سن رابطه جنسی نرسیده (یا زیر ۵۱ سال) وقتی که تزریق خون آلوده مطرح نیست

حاملگی در نوجوانی

بیماری‌های آمیزشی وقتی کودک به سن رابطه جنسی نرسیده

خودآزاری

فرار

شب‌ادراری یا شب‌مدفوعی که قبلاً وجود نداشته

خودآزاری و آسیب زدن به خود

رفتارهایی با مضامین جنسی که متناسب با سن نیست

پرخاشگری و خشونت بدون دلیل

انزوا، در خود رفتن، سکوت و تلخی

از دست دادن دوستان

خودداری از مدرسه رفتن

خودکشی

همیشه نگران و گوش‌بزننگ است و با کوچکترین صدا یا اتفاقی پریشان می‌شود

در ایران برای کمک‌گرفتن از متخصصان و سازمان‌های مسئول در مورد کودک‌آزاری می‌توانید با اورژانس اجتماعی ۳۲۱ تماس بگیرید، یا با صدای یارا (خط تلفنی انجمن حمایت از حقوق کودکان).

دادستانی تهران هم شماره تلفنی را برای گزارش موارد کودک‌آزاری اعلام کرده و در استان‌های دیگر هم با بهزیستی یا دادستانی استان می‌توان تماس گرفت.

منبع: دکتر حسام فیروزی

چند نکته آموزشی برای پیشگیری از کودک آزاری جنسی

Photo: Tatyana_Tomsickova/bigstockphoto.com

کودکان درک درستی از اتفاقی که برایشان می‌افتد ندارند. ممکن است بترسند حقایق را به ما بگویند و ما آن‌ها را ملامت کنیم. ممکن است فکر کنند خودشان مقصر اتفاقی که برایشان افتاده، هستند. ممکن است از کسی که مورد اعتمادشان بوده رفتار ناپسندی ببینند و فکر کنند کار اشتباهی نبوده است و از حس ناراحتی خود سردرگم شوند. بهتر است به‌عنوان کسانی که در قبال کودکان مسئول هستیم به آن‌ها آموزش دهیم که چه چیزی رفتار نامناسب است و بعد از هرگونه رفتار نامناسب جنسی که با آن‌ها صورت گرفت چه کار باید انجام دهند تا از خود محافظت کنند. اگرچه خطاب این متن کودکان هستند ولی برای کسانی تهیه شده است که بتوانند این نکات را با کودکان در میان بگذارند.

به کودکان بگویید: اگر کسی به شیوهی نادرستی شما را لمس کرد، یا به شما چیزی را نشان داد که احساس ناراحتی کردید، آن را در دل خود نگه ندارید. حتی اگر یک کودک بالغ و بزرگ‌تر این کار را با شما انجام داد، بازهم عمل او درست نیست و بدانید هرگز این اتفاق تقصیر شما نبوده است.

به کودکان یاد بدهید که اگر کسی رفتارهای زیر را با آن‌ها کرد با کسی که به او اعتماد دارند در میان بگذارند:

شما را به شیوهی نادرست لمس کند، یا اعضای خصوصی بدن شما را که با لباس زیر یا حوله‌ی حمام پوشانده‌اید، لمس کند.

از شما کاری را بخواهد که از انجام آن احساس ناراحتی کنید یا برایتان عجیب باشد، مثل نشان دادن اعضای خصوصی بدنتان به کسی، یا دست زدن به اعضای خصوصی بدن فردی دیگر.

نشان دادن چیزی به شما که قرار نبوده ببینید، یا باعث ناراحتی شما می‌شود، مانند عکسی از کسی یا پیامی که به قصد شما نبوده است.

از شما عکس یا ویدئو بگیرد، یا از شما بخواهد که از خودتان عکس و ویدئو بگیرید.

بخواهد به‌تنهایی با شما وقت بگذراند و اجازه ندهد کسی به شما بپیوندد.

به شما بگوید کاری که با شما کرده است را به‌عنوان راز نگه دارید و به کسی درباره آن نگوید. وقتی کسی می‌داند که کاری که با شما انجام داده اشتباه بوده است، ممکن است چیزهایی را برای ترساندن و تهدید به شما بگوید تا آن کارها را در دل نگه دارید؛ مثلاً بگوید حیوان خانگی یا اسباب‌بازی موردعلاقه شما را از بین می‌برد یا به کسی که برای شما مهم است صدمه می‌زند. لازم نیست این نوع اسرار را نگه دارید و می‌توانید آن را به کسی بگویید.

به شما هدایایی دهد و از شما بخواهد آن را مخفی نگه دارید، یا از شما بخواهد به هیچ کس در مورد وقتی که با شما می‌گذراند، نگوید.

طبیعی است که بترسید

کاملاً طبیعی است بترسید یا نگران باشید که به دردرس برخورد اگر درباره این مسئله با کسی حرف بزنید. موردی ندارد. شجاعت شما را می‌رساند اگر به کسی بگویید. به گفتن آنقدر ادامه دهید تا کسی به شما کمک کند؛ در بیرون کسانی هستند که می‌توانند به شما کمک کنند.

به چه کسی باید بگویید؟

می‌توانید به کسی که به او اعتماد دارید مانند یکی از والدین، اعضای خانواده، معلم، مربی، والدین یک دوست، یا همسایه خود بگویید.

چگونه بگویید؟

می‌توانید با آن‌ها رودررو صحبت کنید یا به آن‌ها پیام یا ایمیل ارسال کنید. می‌توانید از طریق تلفن بگویید یا یک نقاشی از آنچه اتفاق افتاده را بکشید یا حتی یک نامه برای او بفرستید. مهم این است که به کسی بگویید. حتی اگر از اولین کسی که به او گفته‌اید واکنش مناسبی دریافت نکردید، آن‌قدر به گفتن ادامه دهید تا کسی به شما کمک کند.

اگر همچنان سؤال‌هایی دارید و به کمک نیازمندید

اگر می‌خواهید در این زمینه با فرد دیگری صحبت کنید و جواب سؤال‌هایتان را نگرفته‌اید با یکی از خطوط زیر تماس بگیرید تا بتوانید با یکی از مددکاران صدای یارا صحبت کنید و از او راهنمایی دریافت کنید:

شماره تلفن‌های واحد مددکاری صدای یارا (تهران):

۳۱۱۱۳۵۸۸ - ۹۰۱۱۳۵۸۸ - ۵۱۴۱۰۵۸۸ - ۴۱۴۱۰۵۸۸

صدای یارا همه روزه از ۹ صبح تا ۵ بعدازظهر، برای کمک‌رسانی به کودکان و نوجوانان و خانواده‌ها به تماس‌ها پاسخ می‌دهد.

اگر نیاز فوری داشتید و خود را در خطر دیدید

اگر در اطراف شما کسی نبود که به شما کمک کند و احساس خطر کردید برای دریافت کمک‌های فوری با تلفن اورژانس اجتماعی (۳۲۱) تماس بگیرید. همچنین می‌توانید با پلیس ۰۱۱ نیز تماس بگیرید، که باید از شما در زمینه کودک‌آزاری محافظت کند.

منبع: برگرفته از [RAINN I Am a Kid and Something Happened](#), ترجمه [خسونت‌بس](#)

مطالب مرتبط:

رضایت، حلقه گم‌شده رابطه جنسی

Photo: B-D-S/bigstockphoto.com

دنا دادبه، پژوهشگر حقوقی

دانشکده حقوق دانشگاه میشیگان، در مقاله‌ای که در ژورنال حقوقی ماه پیش منتشر کرده است، رضایت جنسی را از دیدگاه حقوقی این گونه تعریف کرده است: «توافق صریح و بدون ابهام دو طرف به برقراری رابطه جنسی به صورتی که طرفین مفهوم و معنای آن توافق را درک کرده باشند.»

در چند سطر پیش رو می‌خواهیم بدانیم رضایت جنسی به چه معناست؟ رابطه تجاوز در بستر زناشویی با رضایت جنسی چیست؟ رویکرد کشورهای جهان و ایران به این موضوع چگونه است؟

چند نکته درباره رضایت

- رضایت جنسی ممکن است در هر نقطه از رابطه زناشویی و یا دوستی از سوی یکی از طرفین پس گرفته شود.

- رضایت جنسی باید کاملاً داوطلبانه باشد. به عبارت دیگر رضایت به شروع رابطه جنسی در صورتی به شرط انجام عمل دیگری از سوی مرد مقید شده باشد، واقعی و حقوقی نیست.

- توافق به شروع رابطه جنسی نباید تحت تاثیر عواملی مانند فشار روانی، احساسی، جسمی، مالی، تهدید، اجبار و ترس باشد.

- رضایت قبلی به روابط جنسی به معنای رضایت در برقراری روابط جنسی در آینده نیست.

- همه ما باید درباره رضایت طرف مقابل قبل از هر بار روابط جنسی احساس مسئولیت کنیم. این احساس مسئولیت بدین معنی است که اگر مطمئن نیستیم طرف مقابل به برقراری رابطه راضی است یا نه، قبل از آغاز رابطه جنسی درباره احساسش از او سؤال کنیم.

سکوت علامت رضایت نیست

- موقعیت‌های زیر لزوماً به مفهوم رضایت جنسی طرف مقابل نیست:

- رفتار و حرکات بدن، ظاهر فرد، نحوه لبخند زدن و طرز لباس پوشیدن

- قرار دو نفره و یا وجود روابط جنسی در روزها، ماه‌ها و یا سال‌های قبل

- ازدواج رسمی و یا غیر رسمی (بسیاری از تجاوزها در بستر زناشویی رخ می‌دهد و تجاوز در بستر زناشویی به جدیت و اهمیت تجاوز افراد مجرد تلقی می‌شود.)

- سکوت، عدم مقاومت، عدم تحرک و یا انفعال (پس از آغاز رابطه جنسی، سکوت و یا عدم پاسخ طرف مقابل به معنای رضایت او نیست.)

- ناتوانی (افرادی که تحت تاثیر الکل و یا مواد مخدر هستند، در حقیقت ناتوان از ابراز رضایت هستند. مصرف الکل معمولاً سلاحی برای وانمود کردن رضایت طرف مقابل برای خشونت‌گر است.)

تجاوز در بستر زناشویی

نکته این جاست که در صورتی که زن مایل به برقراری رابطه جنسی با همسرش نباشد و مرد بدون توجه به رضایت او با او تماس برقرار کند، تجاوز در بستر زناشویی رخ می‌دهد. تجاوز در بستر زناشویی در حقیقت علاوه بر این که آسیب‌های اساسی و جدی به جسم زن وارد می‌کند، روح و روان او را نیز فلج کرده و همین موضوع سلامت خانواده را نیز به خطر می‌اندازد.

جرم‌انگاری در ایران

قانون مدنی و کیفری ایران نه تنها هیچ اشاره‌ای به تجاوز در بستر زناشویی نکرده است، بلکه بر عکس، عدم رضایت زن در برقراری رابطه جنسی را منشا تخلف زن دانسته است. قانون مدنی ایران در صورتی که زن مایل به برقراری رابطه جنسی نباشد، ضمانت اجرای سنگینی بر تصمیم او بار کرده است.

اولین ضمانت اجرای قانون مدنی، عدم پرداخت نفقه از سوی شوهر است. به عبارت دیگر در صورتی که زن از برقراری رابطه جنسی با شوهر سر باز زند، شوهر نیز می‌تواند وظیفه مالی خود را در قبال زن انجام ندهد.

دومین ضمانت اجرای عدم تمکین زن، امکان طرح دعوی الزام به تمکین است. با این که تنها ضمانت اجرایی صریح قانون مدنی همان عدم استحقاق نفقه است، با این وجود، رویه عملی دادگاه‌ها چنین است که دعوی الزام به تمکین را می‌پذیرند و زوجه را محکوم به تمکین می‌کنند. جالب این جاست که رویه عملی برخی از دادگاه‌ها نشان داده است در مواردی که امکان الزام زن به تمکین و برقراری رابطه جنسی فراهم نیست، اجازه ازدواج دوم به مرد می‌دهند.

عدم استحقاق اجرت‌المثل سومین ضمانت اجرای عدم رضایت در برقراری رابطه جنسی از سوی زن است زیرا شرط دریافت اجرت‌المثل، عدم خطای زوجه تلقی می‌شود و به نظر حقوقدانان عدم تمکین، مصداق بارزی از خطا در انجام وظایف زوجیت است. به عبارت دیگر پس از طلاق، در صورت درخواست زن مبنی بر مطالبه حق‌الزحمه کارهایی که شرعاً به عهده او نبوده است، دادگاه نسبت به تامین خواسته او اقدام می‌کند. این در حالی است که در صورتی که زن راضی به ادامه رابطه جنسی با همسرش نبوده باشد، پس از جدایی نیز مستحق دریافت اجرت‌المثل نیست.

جرم‌انگاری در جامعه جهانی

تا قبل از تصویب اعلامیه منع خشونت علیه زنان از سوی مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۱، تمام ایالت‌های آمریکا و درصد زیادی از کشورهای اروپایی و استرالیا تجاوز در بستر زناشویی را جرم‌انگاری کرده و برای آن ضمانت اجرایی مقرر کرد.

اعلامیه منع خشونت علیه زنان و به دنبال آن [اعلام روز بیست و پنجم نوامبر](#) به عنوان روز جهانی منع خشونت علیه زنان و فعالیت سازمان‌ها

و دولت‌های مختلف در جهانی کردن این حرکت باعث شد تا دبیر کل سازمان ملل در سال ۲۰۰۲ خیر از پیگرد قانونی تجاوز در بستر زناشویی در ۴۰۱ کشور جهان دهد.

کشور لهستان اولین کشوری است که تجاوز در بستر زناشویی را در سال ۲۳۹۱ جرم‌انگاری کرده است و مجازات سنگینی از جمله حبس ابد برای آن در نظر گرفته است. به دنبال لهستان، چک، دانمارک، سوئد و نروژ هر کدام به فاصله پنج سال این موضوع را جرم‌انگاری کرده‌اند. این در حالی است که داکوتای جنوبی اولین ایالت آمریکایی است که در سال ۵۷۹۱ تجاوز در بستر زناشویی را جرم اعلام کرده است. مجازات این جرم در ایالت‌های آمریکا از جریمه ده هزار دلاری تا بیست سال زندان و یا هر دو وجود دارد.

این در حالی است که تجاوز در بستر زناشویی هنوز در بسیاری از کشورها مانند، افغانستان، پاکستان، هند، چین، عربستان سعودی و بسیاری از کشورهای آفریقایی شمالی و شرقی و خاورمیانه به عنوان جرم شناخته نشده است.

آمار چه می‌گوید؟

موسسه تحقیقات سلامت در سال گذشته **اعلام کرد** که تا به حال تنها دو پژوهش آماری در مورد تجاوز در بستر زناشویی صورت گرفته است. این سازمان معتقد است آمار تجاوز در بستر زناشویی یکی از پنهان‌ترین موضوعات آماری در سراسر جهان است. همین سازمان آمار تجاوز در بستر زناشویی در سال ۵۱۰۲ را این گونه به تصویر کشیده است:

سی درصد از آمار تجاوز به بزرگسالان در آمریکا توسط همسر رسمی، غیر رسمی، شریک جنسی و یا دوست پسر انجام شده است.

۹ درصد از تجاوزهای گزارش شده توسط همسر و یا همسر قبلی زن صورت گرفته است.

زمانی که رابطه طرفین تحت تاثیر خشونت خانگی قرار دارد، احتمال تجاوز در بستر زناشویی تا هفتاد درصد افزایش پیدا می‌کند.

تنها شانزده درصد از قربانیان تجاوز در بستر زناشویی، موضوع را به مقامات محلی گزارش داده‌اند.

زنان مذهبی و یا دارای پیشینه مذهبی بیشتر از زنان دیگر قربانی تجاوز می‌شوند، چرا که از برچسب گناهکار بودن می‌ترسند و یا احتمال می‌دهند همسرانشان زن دیگری اختیار کند.

۵۶ درصد از زنانی که تجربه محدودی از رابطه جنسی قبل از ازدواج دارند و یا افرادی که تجربه‌ای ندارند، فکر می‌کنند تجاوز در بستر زناشویی موضوعی معمولی است و آن را گزارش نمی‌کنند.

۵۳ درصد از قربانیان تجاوز در بستر زناشویی قربانی انواع دیگری از خشونت خانگی نیز بوده‌اند.

۹۶ درصد از زنانی که همسرانشان به آن‌ها تجاوز می‌کنند، بیشتر از یک بار قربانی تجاوز در بستر زناشویی توسط همان فرد شده‌اند.

پنج درصد از زنانی که تجاوز در بستر زناشویی را اعلام کرده‌اند، گزارش کرده‌اند که فرزندانشان را نیز به اجبار همسرشان در رابطه جنسی داخل کرده‌اند.

هجده درصد از قربانیان اعلام کرده‌اند که فرزندانشان نیز شاهد تجاوز بوده‌اند.

نکته دردناک این‌جاست که درصد بسیاری از مردم هنوز به تجاوز در بستر زناشویی معتقد نیستند و باور دارند که سکوت در مقابل خشونت‌گر نشانه همسر خوبی بودن است. حقیقت اما این است که تجاوز در بستر زناشویی یکی از انواع مهم خشونت خانگی و هم وزن تجاوز به عنف است. با وجود این که سازمان‌های اجتماعی و جهانی مختلف تمرکز خود را روی این موضوع قرار داده‌اند و سعی کرده‌اند سطح آگاهی عمومی مردم جهان را افزایش دهند، آمارها حاکی از این است که تنها درصد بسیار کمی از زنان، تجاوز در بستر زناشویی را به مقامات محلی گزارش می‌دهند.

گروهی از روانشناسان معتقدند تجاوز در بستر زناشویی بیشتر از این که با هدف لذت جنسی باشد، به قصد نشان دادن قدرت و کنترل انجام می‌شود. تحقیقات همین موسسه نشان داده است دو سوم آمار تجاوز جنسی مربوط به روزهای آخر قبل از وقوع طلاق و یا جدایی همسران است.

